

# هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمارت

## عمارت

کارگردان: محمد مهدی خالقی

سود بانگی: حرام یا حلال!  
کنش انقلابی و سیاست  
شاخص‌های نقد مصلحانه



برنامه ثریا از حاشیه تا متن

اولویت:  
مسئله‌های مردم



یادداشت علی محمد مؤدب درباره مستند «داد»

«داد»: آنچه  
سینمای ما ندارد



# وحدت ایمانی، وحدت استراتژیک

نقدی بر امام‌باره

مجیدمالکی

حتی آرزوی زیارت امام حسین را هم در دل دارند. در دهه محرم نذری می‌پزند، دعا و توسل می‌کنند، اشک می‌ریزند و با طبل و دهل دسته برپا می‌کنند. در سکانس‌های بعدی تصاویری از همین آیین‌ها و مراسم را نزد شیعیان می‌بینیم که بر بوسه‌گاه پیغمبر و ظلم یزید گریه می‌کنند. اگر کسی فیلم را در حالت بی صدا ببیند، به جز صحنه نماز خواندن اهل سنت نمی‌تواند تشخیص دهد که این مردم شیعه‌اند یا سنی؛ اما می‌فهمد که برای امام حسین گریه می‌کنند. این قرابت و این نزدیکی بین شیعه و سنی به هیچ عنوان وحدت استراتژیک نیست؛ بلکه وحدت ایمانی است. وحدتی که در سایه محبت امام شکل گرفته.

وقتی در مقابل حب امام، مرزهای مذهب (شیعه، سنی و حتی مسیحی) که اصلی‌ترین عامل جدایی ادیان و گرایش‌های دینی مختلف‌اند، فرومی‌ریزد چه عامل مهم دیگری می‌تواند فاصله ایجاد کند؟ تنها عاملی که می‌تواند این فاصله را ننگه دارد و مانع وحدت ایمانی شود، چیزی از جنس خود مذهب یعنی روایت‌های دیگر مذهبی است. روایت‌هایی که می‌توانند با استدلال‌های دینی و تاریخی دست روی نقاط افتراق گذارده و جهت اصلی مبارزه را تغییر بدهند. مثلاً به جای دشمنی و مبارزه با آمریکا و اسرائیل جهت مبارزه شیعیان و اهل سنت را به سوی همدیگر بکشاند.

جریان است. مثلاً اینکه قلب‌هایی در جهان وجود دارد که با ایران، اسلام و امام حسین گره خورده‌اند. دوستانی هم که هر ساله از راهپیمایی عظیم اربعین بازمی‌گردند، خبرهای مشابهی از این ارتباطات قلبی می‌آورند که محبت امام حسین مرزهای جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی را در نوریده و زائران و دوست‌دارانش دیگر نسبتی با جغرافیا و ملیت ندارند. آیا این اتفاق نخستین قدم برای گذر از مرزهای زمینی و رسیدن به مرزهای ایمانی نیست. زمانی که مستند امام‌باره را می‌بینیم به وضوح بی معنایی مرز و عقیده را در برابر محبت امام حسین می‌بینیم.

محمد مهدی خالقی به بنگلادش رفته است. مسئله برایش از اینجا آغاز می‌شود که ظاهراً روز عاشورا در بنگلادش مراسم عزاداری برپا می‌شود. چطور در کشوری که اکثریت آن اهل سنت‌اند برای امام حسین مراسم عزاداری برگزار می‌شود؟ او نزدیک ایام محرم وارد شهر سیلخت، یکی از ثروتمندترین شهرهای بنگلادش می‌شود. شهری که غالب جمعیت آن سنی مذهب‌اند. اهل سنت سیلخت از ابتدای محرم تا عاشورا برای امام حسین پاره‌پاره می‌شوند؛ ولو برای خرید کردن در بازار. برای امام نوحه می‌خوانند، گریه می‌کنند. همان آداب و آیینی را دارند که شیعیان دارند. چند کیلومتر با همین پاهای پیاده راه می‌روند. آن‌ها

اگر از مردم جامعه‌مان بپرسیم که افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، هند و بنگلادش چگونه جایی هستند، بعید است به جواب‌هایی برسیم که ناشی از شناخت درست آن مناطق باشد. جوابی که ناشی از شناخت موقعیت‌های فرهنگی و محلی این کشورها باشد. این‌طور شناخت‌ها و آگاهی‌ها در جامعه ما استثناست. افراد کمی مطلع‌اند و عموم ما اطلاعاتی در این زمینه نداریم. این یعنی ما با مردم این کشورها زبان گفت‌وگو نداریم و نمی‌توانیم حرف بزنیم. اگر یک تاجیکستانی را ببینیم به او چه می‌گوییم؟ از چه نکته‌ای حرف می‌زنیم؟ با وجودی که ما با او اشتراک زبانی داریم و نیازی نیست که از پشت حجاب زبان با او سخن بگوییم، از چه باید حرف بزنیم وقتی نام چهار شهر تاجیکستان را هم نشنیده‌ایم و نمی‌دانیم آن‌جا چه خبر است. نمی‌دانیم او در چه موقعیتی زندگی می‌کند و نیاز به چه اطلاعاتی دارد؟ وقتی چنین اطلاعات ساده و پیش پا افتاده‌ای از کشور همسایه و هم‌زبانمان نداریم چه انتظاری است که بدانیم در هند و بنگلادش چه خبر است.

در میان آثار تولید شده جشنواره عمار هر ساله آثاری را می‌بینیم که کارگردانانش پای را از مرزهای ایران فراتر گذارده و از آن سو مرزها خبر آورده‌اند. از همین اندک خبرهاست که می‌فهمیم در کشورهای منطقه و حتی دور از منطقه ما خبرهای خاصی در





# ما مدیون اکران‌کنندگان هستیم

گفت‌وگو با محمد مهدی خالقی؛ فیلمساز

محمد مهدی خالقی، متولد ۱۳۵۶ و ساکن شهر مقدس مشهد است. او کار در فضای رسانه را با نویسندگی و تاریخ شفاهی آغاز کرده و بعد از آن وارد فضای فیلمنامه‌نویسی شده است. خالقی اولین مستند خود را در سال ۱۳۸۴ ساخته و حدود ۱۵ سال است که در این حرفه فعالیت می‌کند. او امسال با کارگردانی چهار اثر «امام باره»، «لحاف چهل تکه»، «آهوانه» و «روهینگیای زخم زمین» به هشتمین جشنواره فیلم عمار آمده است.

## درباره مستند «امام باره» توضیح دهید.

«امام باره» درباره عزاداری اهل سنت بنگلادش در ایام ماه محرم، خصوصاً روز عاشورا است. لغت امام باره در کلام مردم شبهه‌قاره، به معنی حسینیّه و مکانی برای اقامه عزای حسینی است. مردم این کشور، عمدتاً جزو محیین اهل بیت (ع) هستند و به خاندان پیامبر (ص) احترام خاصی می‌گذارند. در فرهنگ مردم و حتی در سطوح دولتی این کشور، عزای امام حسین (ع) یک مسئله جدی و مهم محسوب می‌شود و به همین دلیل روز عاشورا در کشور بنگلادش تعطیل رسمی است. ایده ساخت امام باره را یکی از دوستان در ذهن من ایجاد کرد. او تعدادی عکس و فیلم موبایلی از عزاداری مردم به من نشان داد. این تصاویر برایم جذابیت داشت. بنابراین تحقیقات و پژوهش‌های من را گسترده‌تر کردیم و پس از آن، آماده سفر برای ساخت مستند شدیم. شرایط جغرافیایی و محیطی کشور بنگلادش اعم از گرمی و رطوبت هوا و وضعیت جاده‌ها کار را برای ما سخت کرده بود. اما از منظر دیگر، بنگلادش مردمانی صمیمی و مهمان‌نواز داشت و ما در آنجا دوستان خوبی پیدا کردیم که به ساخت این مستند کمک‌های بسیاری کردند.

## از «روهینگیای زخم زمین» بگویید.

مسئله آواره شدن بخشی از مسلمانان ایالتی به نام «راخائین» در غرب میانمار، مسئله‌ای قدیمی و مربوط به سی یا چهل سال گذشته است که در طول شش، هفت سال گذشته خیلی حادث‌تر شده و تعداد مهاجرت‌ها از این کشور بسیار افزایش پیدا کرده است. نوع مواجهه دولت، ارتش و بودایی‌های متعصب میانمار با مسلمانان برای اخراج‌شان از این کشور، تبدیل به یک بحران منطقه‌ای و جهانی شده است. این موضوع، سوژه داغ و مورد رجوع بسیاری از رسانه‌های جهان بود. من هم با اعتقاد بر این که فیلم‌سازهای انقلاب اسلامی باید نسبت به وقایع جهانی موضع داشته باشند و زاویه نگاه خودشان را ارائه دهند، تصمیم به ساخت این مستند گرفتم. «روهینگیای زخم زمین» داستان سفر دو پزشک جهادگر ایرانی است که برای بررسی و کمک به وضعیت بهداشت و درمان، به اردوگاه‌های میانماری می‌روند.

## کارکردن در عرصه بین‌المللی چطور است؟

مستندسازی در فضای بین‌الملل، اقتضاعات خاص خودش را دارد. البته منظور از بین‌الملل کشورهای غیر از کشورهای مقاومت است. فضای مستندسازی در کشورهایمانند عراق، سوریه و لبنان فضایی صمیمی‌تر دارد. اگر کسی در این کشورها به زبان عربی مسلط باشد، به راحتی می‌تواند کار کند؛ اما کار در خارج از این فضاها نیاز به اقتضاعات متفاوتی دارد. ابتدا دور شدن از آن نگاه ملی‌گرایانه است؛ ایجاد یک صمیمیت بین مردمان کشورها و رابطه حسنه تأثیر زیادی در اینطور کارها دارد. دوماً شناخت آن کشور، شناخت روحیات، فرهنگ و رسوم مردم آن کشور است.

## از مراحل ساخت «روهینگیای زخم زمین» توضیح دهید.

به دلیل اینکه ورود به کشور میانمار ممنوع است، مجبور بودیم برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز به مناطق جنوب شرق کشور بنگلادش سفر کنیم. ما باید وارد اردوگاه‌های آوارگان میانماری می‌شدیم. ورود به این اردوگاه‌ها بسیار سخت و حتی در زمانی ممنوع بوده است. به لطف خداوند با هماهنگی‌هایی که صورت گرفت، توانستیم به اردوگاه وارد شویم. در آنجا دو اثر تولید کردیم که یکی از آن‌ها که «روهینگیای زخم زمین» نام دارد را به عمار ارسال کردم.

## درباره «لحاف چهل تکه» توضیح دهید.

فیلم‌نامه «لحاف چهل تکه» براساس خاطره‌ای از مادر بزرگم، در مورد قضایایی مرتبط با دوران کشف حجاب پهلوی نوشته شد. این فیلم‌نامه مورد حمایت قرار گرفت، الحمدالله کار به انجام رسید و در سیزده دقیقه در قالب فیلم کوتاه ساخته شد.

## از داستان و موضوع «آهوانه» برایمان بگویید.

«آهوانه» یک قسمت از مجموعه مستندهای کوتاه ۱۰ دقیقه‌ای است. این مستند یک سری از خدمات شهرداری مشهد در مناطق حاشیه‌ای شهر را به تصویر می‌کشد. البته این کار، کاری تبلیغاتی نیست و از باب تکلیفی که احساس کردم نسبت به این خدمات خوب شهرداری و نظام دارم، کار را انجام دادم. موضوع «آهوانه» مربوط به طرح ساخت عروسک‌های نمادی آهو، توسط دختران مشهدی، برای هدیه به زائران امام‌رضا (ع) است.

## نظرتان راجع به اکران مردمی جشنواره عمار چیست؟

همیشه گفتم و باز هم تکرار می‌کنم که ما فیلم‌سازها، مدیون اکران‌کنندگان مردمی هستیم. ما اثر را می‌سازیم تا دیده شود و به دست مخاطبش برسد و تأثیرگذار باشد. اگر این حلقه واسطه اکران مردمی نباشد، کار ما لنگ می‌شود. اکران مردمی، حتی قابل قیاس با پخش تلویزیونی نیست. تلویزیون یک بار پخش می‌کند، تمام می‌شود و می‌رود. در واقع مخاطب تا حدودی قابلیت انتخاب ندارد و مجبور است فیلمی را که صداوسیما انتخاب کرده است، تماشا کند. یعنی یکی از شبکه‌ها کار را پخش می‌کند، بعضی از مردم می‌بینند و بعضی نمی‌بینند. اما در اکران مردمی، مخاطب با هدف و انتخاب، در یک مدرسه، مسجد یا دانشگاه فیلم را تماشا می‌کند؛ تأثیرگذاری این کار بسیار بالاست.

## پیشنهادتان به عمار چیست؟

وقتی می‌گوییم جشنواره مردمی عمار، این مردمی بودن باید در همه ابعاد این جشنواره جاری شود که یکی از آن ابعاد، سوژه است. سوژه باید متفاوت و در گستره جهان اسلام باشد. عمار باید سوژه‌هایش را در گستره مستضعفین جهان، که در جناح مقابل مستکبرین هستند، شناسایی و تبدیل به محصولات فاخر فرهنگی کند.

یکی دیگر از پیشنهادها، گسترش قالب‌های هنری در عمار است. امیدوارم به زودی جشنواره‌های شعر، هنرهای تجسمی، تئاتر و سایر رشته‌های هنری عمار را ببینیم و در قالب عمار، به هنرمندان این حرفه‌ها بهاء داده شود تا جهت درست را انتخاب کنند.

موضوع سومی که خیلی علاقه‌مندم اتفاق بیفتد، گسترش اکران مردمی در سطح بین‌الملل است. بچه حزب‌اللهی‌های طرفدار امام و انقلاب اسلامی، در کشورهای مختلف و حتی با مذاهب مختلف حضور دارند. اگر ما آثار را متناسب با این فضاها، چه به لحاظ انتخاب سوژه و چه به لحاظ ترجمه و زیرنویس آثار، تولید کنیم، به راحتی می‌توانیم وارد فضای بین‌الملل شویم. همچنین یکی از آرزوهای چند ساله‌ام، تلویزیون عمار است. تلویزیون عمار، به نحوی هم پیشنهاد و هم آرزوست. این تلویزیون می‌تواند اینترنتی، سراسری یا ماهواره‌ای باشد.



# روز پنجم سینما فلسطین



عباس گودرزی از داوران بخش پوستر فیلم



حسن شمشادی خبرنگار سابق صداوسیما و ساسان فلاح فرکارگردانان



اجرای گروه سرود اسراء



اجرای گروه سرود اسراء



بولتن های روزانه جشنواره



غرفه کودکان (هم بازی)



حضور اقشار مختلف مردم



نمایش فیلم





در حاشیه نمایش فیلم‌ها



نامگذاری سالن‌های سینما به نام شهید



میزگرد جشنواره عمار و مسأله آموزش در سینمای ایران



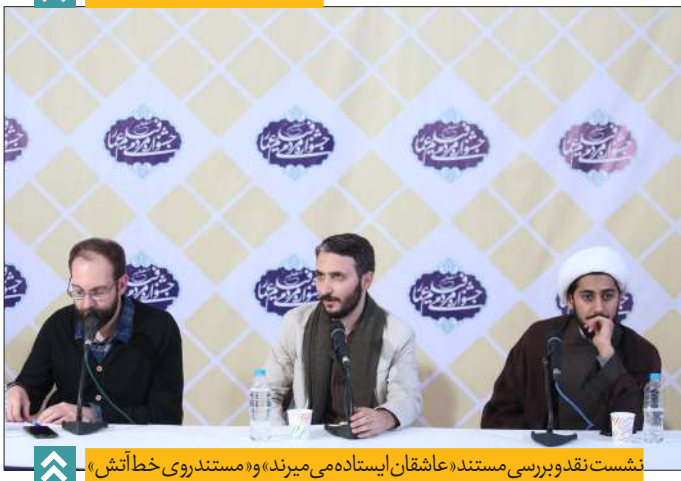
ایوان رنگین‌کمان



استدیوی پخش زنده تلویزیونی



غرفه کودکان (هم‌بازی)



نشست نقد و بررسی مستند «عاشقان ایستاده می‌میرند» و «مستند روی خط آتش»



نمایش فیلم





# قرآن؛ منبع جذابیت و معنا سازی

حجت الاسلام پناهیان در نشست‌های حاشیه‌ای جشنواره عمار

یکی از اشکالات اساسی در انتقال مفاهیم دینی و انقلابی این است که این معنا و مفاهیم به تولید مطلوب نرسیده‌اند که هنرمندان بخواهند آن‌ها را منتقل کنند و به همین جهت مفاهیم ناقصی در آثار هنری منتقل می‌شوند که دقیق نیستند و ایجاد سوء تفاهم می‌کنند.

بسیاری از مخاطبان آثار هنری کسانی هستند که باید با مفاهیم دینی آشنا شوند و یا سوء تفاهم آن‌ها در این باره برطرف شود، برای انتقال این مفاهیم نیاز به ادبیات جدیدی داریم و ادبیات موجود برای این کار کافی نیست و این ادبیات رایج در تبیین دین و انقلاب سلامی سوء تفاهم ایجاد می‌کند و موجب دوری برخی از دین می‌شود. مفاهیمی در قرآن کریم وجود دارد که با وجود اینکه خیلی غریب هستند اما اگر استخراج شوند و به همان صورت نشان داده شوند، جذابیت دارند و معنا سازی می‌کنند و جهالت را برطرف می‌کنند.



بسیاری از مخالف‌ها با دین و دین‌گریزی‌ها و دین‌ستیزی‌ها نتیجه سوء تفاهمی است که ادبیات موجود ایجاد کرده است و اگر به اصلاح و تکمیل این مفاهیم بپردازیم، آثار گران بهایی تولید می‌شود و چه بسا مخاطب، آمادگی پذیرش دین را داشته است اما بیان اشتباهی باعث سوء برداشت و دین‌گریزی یا دین‌ستیز شدن او شده است.

هنرمندان ما باید فکر دینی و انقلابی خود را با ادبیات برآمده از دین و مناسب اوضاع زمانه‌شان بشناسند و منتقل کنند، همان طور که شهید آوینی در ادبیات دینی دوران دفاع مقدس یک مؤلف و صاحب سبک و نوآوری بود و امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب نیز مؤلف و تولیدکننده ادبیات هستند.

لازمه این سخن آن است که باید برای خصوصی سازی اقتصاد که نتیجه آن کم شدن فساد در همه دستگاه‌هاست، ادبیات تولید شود و دولت باید کوچک شود و اگر دولت بزرگ‌تر از حد خودش باشد هیچ‌گاه درست نمی‌شود. هر سه قوه در کشور ما بزرگ‌تر از حد خودشان هستند و یکی از پر قانون‌ترین کشورها هستیم در حالی که هر قانونی نظارت و مدیریت می‌خواهد و این‌ها هزینه‌های زیادی به بار می‌آورند.

دولت‌های غربی با بروکراسی و ساختارهای اقتصادی مردم را مستضعف نگه می‌دارند و در کشور ما هم همان سیستم وزارتخانه‌ها از دوران طاغوت حفظ شده‌اند، در حالی که ساختار غربی منجر به استضعاف می‌شود و زمینه رانت و فساد را فراهم می‌کند که جزء ادبیات انقلاب نیست.



مردم اگر قوی باشند بهتر است از این‌که ضعیف و آزاد باشند، آن‌گونه که در غرب هستند؛ اما در ادبیات دینی و انقلابی ما این‌گونه نیست و صلابت شهید حججی در ادبیات معنوی و اخلاقی و اجتماعی ما وارد نمی‌شود. قدرت رکن ایمان است و مردم باید قدرتمند باشند.

چرا نباید ترانه‌های عاشقانه که به نقش پدر و مادر می‌پردازند، نداشته باشیم و صحیح نیست که عشق را در محدوده آغاز پیوند نشان می‌دهیم و برای ادامه آن ادبیاتی تولید نکرده‌ایم که به تبع موسیقی آن هم تولید نمی‌شود.





## ایران را کشور علم و دانش معرفی کنیم

حمیدرضا امیری نیا، مشاور امور بین الملل دبیر شورای انقلاب فرهنگی



سینما باید علم و فناوری را به عنوان یک دسته مهم سینمایی بداند، نشان دادن پیشرفت علم و فناوری باعث اقتدار ملی و ایجاد انگیزه در جوانان می شود.

کشور ما پس از انقلاب با باور جمله «ما می توانیم» به اقتدار و پیشرفت گسترده ای دست پیدا کرده است. امروزه با توسعه علم، فناوری و نوآوری توانسته ایم اقتدار خود را به جهانیان اثبات کنیم.

کشور ما ویژگی های مهمی دارد؛ ۶۳ درصد از ۸۰ میلیون جمعیت ایران زیر ۳۵ سال سن دارند که داشتن چنین جمعیت جوان و توسعه دهنده ای برای دیگر کشورها آرزوست. البته رشد جمعیت در دهه ۶ و ۷۰ بالا رفت و پس از آن جمعیت ایران کاهش پیدا کرد.

وی طراحی و ساخت ماهواره با سیستم های پیچیده الکترونیکی بسیار سخت است که ایران با اقتدار توانست وارد کلوب ماهواره ای شود. همچنین رباتیک با پایه الکترونیک توانسته تمام صنایع را تحت تأثیر خود قرار دهد. در دانشگاه تهران روبات جراحی سینا توانسته مراحل درمان حیوانی را بگذراند و در حال حاضر در پی درمان انسانی است.

برخی از فیلم سازان به بهانه پرهیز از شعارزدگی به رئالیسم روی می آورند به نحوی که هیچ ارزش مطلق در نگاهشان وجود ندارد و همه چیز برایشان نسبی است و به همه چیز با دید شک آلود نگاه می کنند و از اقدامات انقلابی خود پشیمان اند.



امیری نیا بایبان این که ۴/۵ میلیون در ایران دانشجو وجود دارد، گفت: رشد علم قبل از انقلاب تقریباً صفر بوده است و در ابتدای انقلاب هم به دلیل جنگ تحمیلی رشد زیادی نداشتیم اما بعد از آن توسعه علم، رشد پیدا کرده است.

۲۶۳ محصول نانو فناوری در ایران تولید و بعضی از این محصولات به کره و چین صادر می شود، یکی از این محصولات نانوسکوپ است که می تواند در اندازه نانومتر عکاسی کند. در سال ۸۵ به دلیل تحریم ایران هیچ کشوری نانوسکوپ را به ایران نفروخت، در پی چنین اتفاقی یکی از دانشگاه های ایران این دستگاه را ساخت که امروزه تنها ۵ یا ۶ کشور در دنیا نانوسکوپ را طراحی می کنند و می سازند.

کشوری که تا قبل از انقلاب نمی توانست یک سوزن طراحی کند، امروزه می تواند ۷۵۰ بار آرم جمهوری اسلامی را روی سوزن با استفاده از فناوری نانو حک کند. وقتی این دستگاه را به عنوان هدیه فناورانه به ریاست جمهوری کشورهای مختلف می دادیم از چنین تکنولوژی حیرت می کردند.

توسعه علم در بیوتکنولوژی، از دهه ۷۰ به بعد افزایش پیدا کرده است و ایران رتبه ۱۳ جهانی را دارد. همچنین در ایران بیش از ۹۰ شرکت در این زمینه فعالیت می کنند که نتیجه آن تولید داروهایی با ارزش گرمی یک میلیون دلار است.

کردن با دستگاه جراحی مغز نقطه ای، برای پزشکان ایرانی آرزو بود که به دلیل تحریم ایران نمی توانست این دستگاه را از کشورهای دیگر خریداری کند، محققین ایرانی در زمان کوتاهی توانستند این دستگاه ۸۰۰ هزار دلاری را بسازند؛ امروزه ۳۵ بیمارستان در ایران مجهز به دستگاه جراحی مغز نقطه ای هستند. زمانی که این دستگاه را به عنوان هدیه فناورانه به پوتین دادیم آن را حاصل تحریم ایران دانستیم.



موضوعاتی مانند پهباد، زیردریایی، ارسال موجود زنده به فضا می توانند سوژه مناسبی برای تولید فیلم باشند. ما در ایران به اندازه کوه کار می کنیم اما به اندازه کاه، رسانه ای و تبلیغ می شود. در صورتی که در غرب به اندازه کاه کار می کنند و رسانه ها آن را به اندازه کوه بزرگ می کنند.

این رسالت رسانه است که بتواند ایران را کشور علم و دانش بجای کشور فرش و پسته به جهانیان معرفی کند.



# اخبار اکران‌های مردمی



استان: گلستان  
شهر: گنبدکاووس  
تاریخ: ۲ دی  
مکان: کافه کتاب  
اکران فیلم کوتاه تیهو



استان: آذربایجان غربی  
شهرستان: میاندوآب  
مکان: مدرسه غیردولتی ثقلین  
تاریخ: ۹ دی  
فیلم‌های اکران شده: فیلم داستانی دوتل



استان: تهران  
شهر: تهران  
مکان: مسجد  
تاریخ: ۱۰ دی  
فیلم‌های اکران شده: سلام



استان: سمنان  
شهر: ایوانکی  
مکان: شهرک صنعتی پایتخت، شرکت نوین بافت گواش  
تاریخ: ۱۰ دی  
فیلم اکران شده: مستند کارخانه جهان



پخش فیلم‌های کوتاه جشنواره‌ی عمار  
مکان: (قمصر) مسجد صاحب‌الزمان (عج)  
تاریخ: ۹ دی  
فیلم‌های اکران شده: لکه



استان: همدان  
شهر: نهاوند  
مکان: حوزه‌ی دانش‌آموزی شهید ابوالقاسی  
تاریخ: ۹ دی  
فیلم‌های اکران شده: مدیریت جلسه، اکسیژن



# اکران در مراسم جشن تکلیف

گفت‌وگو با مریم کاظمی نسب اکران کننده خوزستانی

مریم کاظمی نسب، فعال فرهنگی شهرستان باغملک استان خوزستان، و از اکران‌کنندگان مردمی جشنواره فیلم عمار است. او که سابقه فعالیت در بسیج دانشجویی، نهاد رهبری دانشگاه و چندین مرکز فرهنگی دیگر را دارد، از دوره پنجم جشنواره با عمار آشنا، و از دوره ششم به جمع اکران‌کنندگان پیوست.

## چطور با جشنواره عمار آشنا شدید؟

از جشنواره پنجم با عمار آشنا شدم. شنیده بودم که دو نفر از آقایان در شهرستانمان فیلم اکران می‌کنند؛ اما فکرمی‌کردم که خانم‌ها هم بتوانند اکران کننده باشند. پیگیری کردم و از جشنواره ششم اکران کننده شدم.

## چرا در بین کارهای فرهنگی مختلف، به اکران فیلم روی آوردید؟

ما در کنار اکران فیلم، کارهای دیگری هم انجام می‌دهیم، اما معتقدم تأثیر پخش فیلم برای کودکان و نوجوانان که در مقطع حساسی هستند، بیشتر از ده‌ها سخنرانی و... است. در اصل، رسانه تصویری و فیلم بر روی هویت و تعیین خط‌مشی زندگی انسان، تأثیر بسیار دارد.

## ملاک انتخاب آثار برای اکران چیست؟ چگونه آن‌ها را انتخاب می‌کنید؟

وقتی آثار به دستم می‌رسد، تک‌تک آن‌ها را نگاه می‌کنم. سعی می‌کنم آثاری که در یک اکران پخش می‌شود، متنوع باشد. مثلاً در کنار پخش «سید ابراهیم» که طولانی است، فیلم‌های کوتاهی مانند «قابلمه» یا «خارج» را هم اکران می‌کنم. بچه‌های دیگری که اکران می‌کنند هم هرکدام به تناسب زمانی که دارند آثار را می‌بینند. علاوه بر آن، خودم به آن‌ها توصیه هم می‌کنم که چه آثاری را ببینند.

## هدفتان از اکران مستمر چیست؟

وقتی یک‌بار در مدرسه‌ای اکران می‌کنید، تأثیرگذاری استمرار در اکران را ندارد. به همین خاطر سعی می‌کنیم اکران‌هایمان استمرار داشته باشد که هم جشنواره در میان مخاطبان جا بیافتد و هم تأثیرگذاری‌اش بیشتر شود.

## تجهیزات اکران را از کجا تهیه می‌کنید؟

در حال حاضر از بسیج خواهران می‌گیریم. البته قصد داریم با کمک دوستان یک ویدئو پرزنتور بخریم. یک اسپیکر هم اخیراً با کمک‌هایی که از افراد مختلف جمع شد و به کمک بسیج خواهران تهیه کردیم.

## چه مکان‌هایی اکران داشتید؟

بعضی از برنامه‌های بسیج که از پیش تعیین شده‌اند؛ ولی برای بعضی از برنامه‌ها، به تناسب برنامه‌ای که وجود دارد، خودم پیشنهاد می‌دهم که محل اکران کجا

باشد. به‌طور مثال فردی می‌خواست جشن تکلیف برگزار کند، گفتم همچنین فیلمی جشنواره عمار دارد که با برنامه شما تناسب دارد، اجازه می‌دهید که این فیلم را در برنامه شما اکران کنیم؟ ایشان هم استقبال کردند. البته در کنار این‌ها، اکران‌های مستقل هم همیشه داشته‌ام. سال گذشته هدفم آشنایی مردم با جشنواره عمار بود. امسال هم هدفم ماندن اسم جشنواره عمار در ذهن افراد نیست، هدفم گسترش اکران‌ها، جذب مخاطبین و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطبین است، که خدا را شکر تا حدودی هم اتفاق افتاده است.

## به نظرتان تاکنون برای چند نفر اکران کرده‌اید؟

فکر می‌کنم حدود هزار، هزار و دویست نفر پای اکران‌هایم نشسته بودند! خیلی تعجب کرده بودم! زیرا ما اغلب در جمع‌های کوچک ۴۰، ۵ نفره اکران می‌کنیم. به‌نظرم اکران با تعداد کم، تأثیرگذاری بیشتری نسبت به اکران‌هایی با مخاطب دویست نفر دارد، به این دلیل که ارتباط شما با مخاطب، ارتباط مستقیمی است.

## چطور به این تعداد بالای اکران رسیدید؟

از آنجایی که ما در کنار اکران فیلم‌های عمار، فعالیت‌های دیگری هم انجام می‌دهیم (مثلاً بنده مسئول فرهنگی بسیج هستم و با خانم دیگری مسئول درس آمادگی دفاعی بسیج دانش‌آموزی هستم و...)، سعی می‌کنیم در خلال برنامه‌های بسیج، مثلاً نشست تخصصی یا برنامه‌های مختلفی که برگزار می‌شود، متناسب با آن برنامه، اکران فیلم هم داشته باشیم.

## چرا گروهی اکران می‌کنید؟ چه مزیتی دارد؟

گروهی خیلی راحت‌تر است. وقتی کار گروهی باشد، هم سختی‌های کار کمتر می‌شود و هم کار جذاب‌تر می‌شود. ایده‌های مختلف می‌آید و برنامه‌ریزی‌ها بهتر می‌شود. سلیقه دیگر هم در کار دخیل می‌شود و این سبب انجام اکران‌های جالب‌تری می‌شود.

## انسجام بین افراد مختلف گروه اکران‌کنندگان، چگونه به وجود آمده؟

ویژگی مشترک تمام اعضای گروه، دغدغه‌مندی است. اکثر ما فارغ‌التحصیل هستیم و سعی کردیم بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه، راکد نباشیم. درواقع آن دغدغه‌مندی باعث شده است که اکران‌ها را شروع کنیم. امسال سعی کردم با شروع اکران‌های جشنواره، بچه‌ها را از قشرهای مختلف جمع کنم. امیدواریم تعداد

اکران‌کنندگانمان از این هم بیشتر شود.

## بیشترین اکران‌تان چه زمانی بود؟

اوج اکران‌هایمان در دهه فجر بود که با کمک بسیج خواهران و بسیج دانش‌آموزی، توانستیم ۲۱ اکران داشته باشیم. وقتی به دوران مدرسه خودمان نگاه می‌کنیم، قشنگ‌ترین روزهای مان ایام دهه فجر بود. سعی کردیم خاطره‌ای خوب برای مخاطبین جشنواره عمار از دهه فجر باقی بماند.

## به نظرتان اهمیت بازخورد اکران چیست؟

وقتی بازخورد اکران را می‌نویسی، به خاطر این نیست که بگویی من فلان قدر کار انجام دادم، نه! شما وقتی می‌نویسی که فلان فیلم را اکران کرده‌ام و نظر مخاطبین این بوده است. درواقع انرژی مثبتی به فیلم‌ساز و عوامل ساخت فیلم می‌دهید و با این کار به آن‌ها می‌گویید که باقوت پیش بروید. من با تمام وجود فیلم‌هایت را اکران می‌کنم؛ می‌خواهم در آن هدفی که شما دارید، من هم کمک‌کننده هدف شما باشم. بازخورد اکران جشنواره عمار، از این جهت است که بازخوردهای تأثیرگذار فیلم‌ها را به جمع ۱۵ هزار نفری اکران مردمی برسانیم و به آن‌ها انرژی مثبت دهیم که همه داریم در این مسیر حرکت می‌کنیم.

## ایده‌ای برای وسعت کار، یا اکران در مکان‌های دیگری ندارید؟

خوب نیست که فقط به بسیج خواهران یا پایگاه دیگر وابسته باشیم. مدتی است که ایده خوبی دارم، قصد دارم با مسئول روابط عمومی شبکه بهداشت صحبت کنم که از پرزنتور آن‌ها استفاده کنیم و برای بیمارانی که مدت زیادی منتظر می‌مانند، آثار عمار را اکران کنیم.

## اگر بخواهید خاص‌ترین و خاطره‌انگیزترین اکران‌تان را بگویید، کدام اکران‌تان را می‌گویید؟

اکران روستای «دوبند» در اردوی جهادی اکران جالبی بود. با دوستانمان به اردوی جهادی رفته بودیم، بچه‌های آن روستا خیلی محروم بودند، ما قرار بود که عید گذشته برایشان اکران کنیم. تعداد زیادی از بچه‌ها را برای اکران به مسجد بردیم، اما لپ‌تاپ خراب شد و اکران برگزار نشد. دوست داشتم بدقولی عید پارسالم را جبران کنم. از همان موقع منتظر بودم که دوباره به آن روستا بروم و برایشان اکران کنم.





مروری بر کنش فرهنگی حزب الله از دولت هاشمی تا امروز

# کنش انقلابی و سیاست

رفتیم. اما بعد از آن دیگر نفرتیم! پدر من نمی‌توانست توضیح بدهد که این چیز جدید چرا به درد ما نمی‌خورد، ولی می‌فهمید که یک جور است! امت حزب الله «کلمه» نداشت! یعنی پدر من نمی‌توانست توضیح بدهد که فرهنگ‌سرا چرا بد است. حتی نمی‌توانست به آقای هاشمی انتقاد بکند.

## ● آغاز کنش‌گری حزب الله در انتقاد از سیاست‌های دولت

جریان حزب اللهی به نقطه‌ای رسید که از ساده‌ترین کار شروع کرد: تذکرلسانی؛ نوشتن شعار روی درودیوار. اما کار جلو نمی‌رود. بعد احساس می‌کنند پس باید به حوزه سیاست وارد بشوند و در این حوزه نقد بکنند. بخشی از امت حزب الله، روزنامه‌نگار می‌شوند.

اما اولین کار ایجابی امت حزب الله بعد از انقلاب، «راهیان نور» است. اگرچه در راهیان نور واکنش هست، ولی کنش‌گری هم هست. این هم از برکت خون شهداست. برای راه‌اندازی راهیان نور پروسه‌ای طی می‌شود و در واقع شهدا خودشان را بر سیاست‌گذاران تحمیل می‌کنند؛ برخلاف کسانی که می‌گویند راهیان نور را «سیاست‌گذاری» به وجود آورد. بنابراین، این اولین اتفاق است که آن راهم امت حزب الله طراحی نکردند، بلکه شهدا به یاری امت حزب الله آمدند.

کتاب «توسعه و تضاد» (فرامرزی رفیع‌پور) در سال ۱۳۷۶ در می‌آید. یعنی تا این زمان طول می‌کشد که امت حزب الله به خودش بگوید که ما می‌توانیم به دولت انتقاد کنیم. یعنی از آن جدا بشویم و بعد بتوانیم تبیین نظری از بلایی که سر ما آمده ارائه بکنیم. این تبیین نظری در «توسعه و تضاد» یک متن دانشگاهی است و در «آژانس شیشه‌ای» (به

است، گاهی با ناراحتی و خشم و... هم همراه است.

## ● دشمنی با جنگ و جنگ‌رفته‌ها

در سطح تولید فرهنگی، دولت درعین حال که اساس کارش بر اقتصاد است، با جنگ و نشانه‌های آن دشمنی می‌کند. یعنی اگر قبلاً صداوسیما برنامه‌ای مثل روایت فتح را پخش می‌کرد، دیگر پخش نمی‌کند. اگر جهاد سازندگی از آن گروه حمایتی می‌کرد، دیگر حمایت نمی‌کند. دشمنی آقای هاشمی با جنگ، به دشمنی با «جنگ‌رفته‌ها» هم سرایت می‌کند و ایشان با جنگ‌رفته‌ها هم درگیر می‌شود. بخش بزرگی از کسانی که به سیدمحمد خاتمی رأی دادند، جنگ‌رفته‌ها بودند. این «ریزش» به خود آقای هاشمی برمی‌گردد که سنگر نمازجمعه را تضعیف کرد. بقیه که حرف نویی نمی‌زدند. هاشمی هم که نظریه‌پردازی می‌کرد، علیه انقلاب بود. مثلاً تصور کنید کسی که دارد سیاست‌های سرمایه‌دارانه را در کشور اجرا می‌کند، در نمازجمعه درباره عدالت حرف می‌زد!

## ● اعتماد مردم به دولت و هزینه انتقاد از آن

نکته دیگر این است که بعد از انقلاب و بعد از جنگ، مردم به دولت بدبین نیستند. به همین علت، انتقادکردن از دولت بعد از جنگ بسیار کار دشوار و پرهزینه‌ای است. اگر مردم به دولت انقلابی اعتماد نداشتند، دولت سازندگی هرگز نمی‌توانست این بلا را سر فرهنگ بیاورد! اتفاقاً مردم به آن اعتماد کردند؛ خودشان را به دست او سپردند و این اتفاقات افتاد.

به تجربه شخصی خودم اشاره کنم. وقتی آقای هاشمی به منطقه ما در تهران آمد و فرهنگ‌سرابی را افتتاح کرد، به خاطر اعتماد به دولت و این‌که فکر می‌کردیم کار بزرگی انجام شده، با خانواده به آن جا



اسماعیل فراهانی

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی

## ● به کام سرمایه‌داری

بعد از جنگ، دولتی بر سر کار می‌آید که اساس کارش توسعه اقتصادی است و برای این‌که توسعه اقتصادی را محقق بکند، دست به هر کاری می‌زند. این مسئله باعث می‌شود جریان‌های انقلابی دچار شوک بشوند و برای خود تکالیفی در نظر بگیرند. همه تصمیم می‌گیرند کار فرهنگی بکنند و این، شروع کار فرهنگی در جریان حزب الله است، ولی دقیقاً معلوم نیست این کار فرهنگی یعنی چه.

این جا مسئله‌ای مطرح است. دولت سازندگی که اساس را بر اقتصاد گذاشته، از جایی به فرهنگ ضربه می‌زند که اولاً برای حزب اللهی‌ها خیلی روشن نیست. یعنی نمی‌توانند نظریه اقتصادی دولت را نقد بکنند. ثانیاً، بالاخره دولتی است که موجه است. یعنی فردی که انقلابی بوده در رأس این دولت است. متأسفانه جریان انقلابی نمی‌تواند جلوی ایده‌های اقتصادی این دولت بایستد و بهتر است بگوییم به موضع فرهنگ عقب‌نشینی می‌کند! مینا و ریشه تحولات در دوره سازندگی اتفاقاً بیرون از فرهنگ است و در این دوره، اقتصاد است که فرهنگ را شکل می‌دهد، آن هم اقتصاد سرمایه‌داری! در چنین اوضاعی، تلاش‌های جریان‌های حزب اللهی توفیق خیلی بزرگی به دست نمی‌آورند. در این میان، برخی فعالیت‌های فرهنگی حزب الله به واکنش تبدیل می‌شود و چون واکنش



کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا) یک فیلم.

### ● دوره اصلاحات و دعوای روزنامه‌ها

اگر بخواهیم درباره دوره خاتمی حرف بزنیم، آن‌ها چون در صداوسیما نیستند، نتیجه این می‌شود که امت حزب‌الله به سمت تصویر نمی‌رود. آن‌ها توی رسانه‌های دیگر نشستند. امت حزب‌الله هم مجبور می‌شویم که گارد جدیدی بگیریم و توی آن نوع رسانه وارد بشویم. در آن دوره دعوای روزنامه‌ها بالا می‌گیرد.

آن‌ها زمین بازی را تعیین می‌کنند. دولت خیلی توانایی دارد؛ می‌تواند زمین بازی را تعریف بکند. زمین بازی‌ای که خود دولت اصلاحات تعریف کرد، مطبوعات بود. زمین بازی تعریف می‌شود و ما به سمت مطبوعات و به سمت دانشگاه‌ها گرایش پیدا می‌کنیم. عجیب است که ما بازی آن‌ها را این قدر جدی گرفتیم و برای مثال، مناظرات در دانشگاه برگزار می‌شود، ولی در مسجد برگزار نمی‌شد. یعنی قدری از آن‌ها بازی خوردیم. وقتی محل منازعه عوض می‌شود، قهرمانان آن دوره هم بلاموضوع می‌شوند. الان دیگر کسی کتاب‌های آن دوره را نمی‌خواند. قهرمانان آن دوره و آن جریان هم امروز خانه نشین هستند.

### ● بلوغ جریان‌های فکری و فرهنگی حزب‌اللهی

در دوره احمدی‌نژاد توان امت حزب‌الله به این جا می‌رسد که آن‌ها همین‌طور شبهه ایجاد می‌کنند و ایده‌های غربی را طرح می‌کنند و این‌ها هم از این سو جواب می‌دهند. جواب و جواب و اتفاقاً این‌ها در آن دوره‌ای که جواب می‌دهند، غریب هستند. به همین دلیل است که دفاع از انقلاب یک امر مردمی است و حکومت خودش نمی‌تواند چنین چیزی را طراحی بکند. وقتی که دعوا می‌خواهد. می‌گویند چه کسانی بودند که این وسط شمشیر می‌زدند؟ مثلاً می‌گویند رحیم‌پور ازغدی. انقلاب همیشه این جور است. این‌که می‌گویند ایده‌های مردم انقلاب را جلو می‌برد، به خاطر این مطلب است.

آقای مصباح هم در همین دوره اصلاحات، یکی از ظرفیت‌های انقلاب بوده که شکوفا شده است. مثلاً ایشان دوره «طرح ولایت» را راه می‌اندازد. یا در دانشگاه امام صادق (ع) دوره «والعصر» راه می‌افتد. یعنی مواجهه نظری شکل می‌گیرد. در همین دوره، می‌گردیم از اعماق کتاب‌هایی که قبلاً نمی‌خواندیم، مثلاً فردید را پیدا می‌کنیم؛ سیدحسین نصر و داوری اردکانی و موسی نجفی را پیدا می‌کنیم. این‌ها از این طرف و آن طرف پیدا می‌شوند و کتاب‌هایشان در دانشگاه‌ها توزیع و خوانده می‌شود. ولو این‌که جزوه‌اند، یا بسیار کوچک هستند.

### ● حزب‌الله، دولت‌سازی و مسائل جدید

دولت آقای احمدی‌نژاد که بر سر کار می‌آید، اتفاق دیگری هم رخ می‌دهد و آن، این است که می‌خواهیم برنامه‌ریزی کنیم، می‌بینیم زمین برنامه‌ریزی زمین آن‌هاست! می‌خواهیم ایده اقتصادی بدهیم، می‌بینیم ایده اقتصادی ایده آن‌هاست. حالا باز در سیاست، میراث امام هست و به تعبیری، «ادیات» داریم. هرچند که آن عرصه هم سرباز ندارد.

در این برهه شاهد هستیم که فعالان فرهنگی انقلابی ناگهان نخبه می‌شوند. حتی در حوزه، نخبه‌های حوزه در قدرت قرار می‌گیرند. تعدادی تئوری‌پرداز می‌شناسیم که الان که دولت در دستمان است، انتظار داریم به ما بگویند کشور را چه جوری اداره بکنیم. ممکن است که دولت احمدی‌نژاد به مبلغانی که به روستاها می‌روند، خیلی کمکی نکرده باشد، یا اصلاً نکرده باشد، اما در این دوره «خسروپناه»ها و «پارسایان»ها و دیگران، حتی مؤسسه امام خمینی (ره)

اوج می‌گیرند. چون دولت می‌گوید چه کسی می‌تواند به من کمک بکند تا الگوی جدیدی برای اداره جامعه بنویسم؟ تعدادی هستند که می‌گویند ما، می‌گویند پس بیایید. بنابراین، در دوره احمدی‌نژاد، نخبه‌ها بالا می‌آیند و حتی وقتی وارد ایده‌های سبک زندگی و این حرف‌ها می‌شویم، طب سنتی و امور بسیار دیگری برای ما مسئله می‌شوند.

### ● مواجهه با سیاست‌های چالش برانگیز دوره سازندگی

بخشی از پیامدهای بلندمدت برنامه‌هایی که آقای هاشمی و بعد هم آقای خاتمی اجرا کردند، در این برهه به بحران تبدیل می‌شوند و می‌بینید که سیاست‌های تمرکززدایی و اقتصاد نفتی، «روستا» را نابود کرده است. مثلاً سیاست‌های ساخت‌وساز و عمران و آب، دارد محیط زیست را از بین می‌برد که باید گفت برده است.

### ● در تجربه دولت‌های نهم و دهم گیر کرده‌ایم

در دولت نهم یا دهم، عده‌ای که مدعی بودند ما انقلابی هستیم و فهم نظری از اداره کشور داریم، به قدرت رسیدند که بعد معلوم شد که در بعضی از حوزه‌ها فهم‌های دقیق و درستی هم نداشتند. متأسفانه با اتفاقاتی که برای احمدی‌نژاد افتاد و برچسب‌های انحرافی و... امکان تجربه گرفتن از آن تاریخ را از دست دادیم. نتوانستیم از تجربه قبلی درس بگیریم. این قسمت دردناک ماجراست. به همین علت است که امت حزب‌الله اصلاً نتوانسته وارد مرحله بعد بشود. وقتی دولت قبلی را نقد نمی‌کنید، بعد از چهار سال، یعنی در انتخابات سال ۹۶، حرف‌ها همان حرف‌های قبل است؛ یارانه بدهیم یا ندهیم؟ یارانه‌ها را زیاد کنیم یا کم کنیم؟ مسکن مهر بسازیم یا ناسازیم؟ یعنی شعارهای شما و فهم شما از فرهنگ هیچ پیشرفتی نکرده است. چرا؟ چون نقد نکردید. بنابراین یکی از مسائل ما این است که اتفاقاً در دوره‌ای که به یک تعبیر عرصه فرهنگ و قدرت دست امت حزب‌الله بود، هیچ درسی از آن نگرفتیم و نمی‌توانیم از آن دوره خارج بشویم. این خیلی عجیب است.

### ● بیرون از ساختار یا درون آن؟

در دوره احمدی‌نژاد، ما متوجه شدیم که وقتی بیرون از سیستم بودیم می‌توانستیم کار کنیم، ولی وارد سیستم که می‌شویم، نمی‌توانیم. این عیب بزرگی است. زیرا عملاً به این منجر می‌شود که انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی جدا بشود. ما نمی‌توانیم از این واقعیت غافل بشویم که نهادهای جمهوری اسلامی باید کار انقلاب اسلامی را انجام بدهند. این اصلاً مقبول نیست که بگویید نهادهای من بر ضد من کار می‌کنند! نمی‌شود گفت که من خودم بلد هستم چه کار بکنم، حالا قدرت دست هر دولتی می‌خواهد باشد. ما باید با نهادهای جمهوری اسلامی کار کنیم، اگر نه در بیگانگی با نهادهای جمهوری اسلامی و در بیرون از آن‌ها خواهیم گفت که من به آدم خودم کمک کردم و تو به آدم خودت! این امر به جای این‌که جامعه را اصلاح کند، آن را به سمت رادیکال شدن می‌برد. نظر رهبری بجد این است که اگر فساد، نابرابری، غرب‌زدگی یا هراس‌گرا دیگری هست، باید سیستم را درست بکنی! جز این معنی ندارد. وقتی به صورت مصنوعی حمایت می‌کنیم، جامعه دچار بحران می‌شود.

### ● تجربه‌های عمل انقلابی در ساختار

چون امت حزب‌الله خودش نتوانست وارد دوره بعد بشود، رهبری سعی کرد ما را وارد دوره بعد بکند. یکی از کسانی که در این موضوع می‌تواند مثال باشد، «حاج حسین یکتا» و قرارگاه خاتم است. قرار شد آدمی که فعال فرهنگی دلسوخته است؛ با اخلاص و اساساً

مجسمه اخلاص است، به آن جا برود و این بار به جای این‌که آن جا در اختیار یک نفر یا ایده یک نفر باشد، بگوید من ایده همه فعالان انقلاب و همه ایده‌های متعلق به انقلاب را می‌خواهم. حالا آن تجربه به جاهایی رسیده که می‌شود درباره اش حرف زد.

از آن طرف، تجربه خود آقای «وحید جلیلی» در سازمان فرهنگی و هنری شهرداری مشهد بود. یک فعال فرهنگی که کار پارتیزانی کرده و مخاطبش همیشه انقلابی‌ها و مذهبی‌ها و آن‌هایی بودند که مطرود شده بودند، حالا در مؤسسه و مجموعه‌ای که مردم نهاد و یک جای عمومی است، چه کار می‌تواند بکند؟ این امر واقعاً نیازمند بررسی است. باید فکر کنیم که در این جاها چه اتفاقی افتاده. آیا موفق بودند یا نبودند؟ اگر موفق بودند، کجاها و اگر شکست خوردند کجاها. مسئله، دیگر گرفتن قدرت نیست. مسئله این است که اگر قدرت را گرفتیم، چه جوری می‌توانیم مسائل و مشکلات مردم را حل بکنیم. ما در این دو تجربه سعی کردیم کارهایی انجام بدهیم. این به یک تعبیر، فاز سوم است. به نظر می‌رسد که این‌ها زمینه‌های ورود ما به مرحله بعدی هستند. هرچند که برای خود اعضای فعال این جبهه خودآگاه نیست، اما برای رهبر انقلاب که آن بالا نشسته و در خلأ فکر دیگران مجبور است خودش همه کارها را بکند، این‌ها نشانه‌هایی هستند از این‌که ما باید از دوره قبلی در بیاییم و وارد دوره جدید با مسائل جدید بشویم.

### ● عمار؛ جشنواره دیده نشده‌ها

در کنار همه این اوضاع است که شاهدیم سرکله جشنواره عمار پیدا می‌شود. عمار جایی است که هر کس حرف مهمی دارد، می‌تواند در آن بزند. آن‌هایی که فراموش شده‌اند: روستا، زن، مادر شهید و... این‌ها در دعوای نخبگان از قلم افتاده بودند. عمار دوباره این‌ها را به عرصه برمی‌گرداند. این‌ها به این خاطر که صدا نداشتند، از معادلات حذف شده بودند. البته در انتخابات‌ها رأی می‌دادند. به هاشمی نه گفتند. به خاتمی نه گفتند. صدایشان نبوده، ولی رأی آن‌ها بوده است. این مسئله موضوعات جدیدی را در دستور کار جشنواره عمار قرار می‌دهد که موضوعاتی مهم هستند. صدای این موضوعات و آن اقشار شنیده نمی‌شده است، ولی مهم هستند. هرچند که الان برای مثال محیط زیست خودش دهان باز کرده.

این فضا مشارکت همگانی را می‌طلبد. همه باید بیایند، ببینند، حرف بزنند. مهم نیست که کارشناس فیلم هستند یا نه. مهم نیست تا حالا مثلاً پنج هزارتا فیلم دیده‌اند یا نه. بلکه مسئله این است که آن‌ها در این مسئله و در این لایه از فرهنگ درگیر بشوند.

تجربه‌هایی مثل ققنوس هم هست. منتها آن‌جا آن کارها به لحاظ محتوایی مطرح هستند. ققنوس با عمار قابل مقایسه است، ولی فرقی این است که آن‌جا فیلم‌های دیگران را می‌بینند. جشنواره عمار سعی کرده که خودش را بند دولت نکند؛ بند تکنیک نکند. از این قیدها رهاست. حرف مردم چطور شنیده می‌شود؟ حرف مردم با رهاشدن از تکنیک شنیده می‌شود. عمار می‌گوید بگذار من حرف مردم را بشنوم. این از ایده ققنوس پیشرفته‌تر است، چون حرف مردم را می‌شنوند. جمعیت برایش مقصد نیست، مقصدش «حرف» است. البته جمعیت هم می‌آید. چون قرار است حرف مردم را بزنند و جمعیت هم می‌آید، خودبه‌خود نمی‌تواند اشرافی باشد. نمی‌تواند بلیت ورود و گیت داشته باشد. جایی که مردم هستند، نمی‌شود مهمانانی را دعوت کرد و به VIP برد. مردم اصلاً از همین‌ها خسته شده‌اند.



# پیر و مریدان در سینما

شنیدم بس مستهجن و زشت، پس گوش را بسیار فشردم تا اندک کلام شیطنانی از گوشم وارد نشود، چرا که گوش دروازه دانش هاست!

پس مریدان جامه‌دران و انگشت‌گزان راه بادیه در پیش نگرفتند؛ بلکه همراه پیر، پیلا میل نمودند و ادامه فیلم را تماشا کردند و جامه برسر کشیدند و گوش بفشردند.

علیرضاتابئی

پیر در سینما، مشغول تماشای فیلم بود که ناگهان با دیدن صحنه‌ای عبا بر سر انداخت و بعد از لحظه‌ای سر را بیرون آورد؛ اندک توجهی به فیلم نمود و دست بر گوش گذاشت و بسیار فشرد. مریدان که شاهد ماجرا بودند، منظور پیر را از این کار جویا شدند.

پیر گفت: بانوانی را دیدم با زیادی رنگ و لعاب و موهایی نیمه‌عریان، شبیه به عروسک. پس دیده فروبستم تا از گناه چشم در امان باشم. سخنانی

**پرفروش‌ترین فیلم‌ها فقط با بازیگران ما**  
گریه‌کن واقعی، بدون اشک مصنوعی  
تعرفه دولتی + تخفیف ویژه

زهرا صفری

**جویای کار**  
۲۸ ساله مجرد  
ظاهر خیلی معمولی  
دارای مدرک دکترای بازیگری و صدا اجرای موفق تئاتر در شهرستان‌ها  
آماده همکاری با همه کارگردان‌ها در همه نقش‌ها، اعم از رفتگر، میت، عابر پیاده و...

فاطمه سادات آزاده

شود الگوی فیلم ایرانیان که دین بهترینش مسلمانی است تمدن، پدر جدش ایرانی است چه بهتر که الگو بگیریم از این دو معیار عالی فرهنگ و دین برای رهایی از این معرکه بسازید فیلم‌ها را همان‌گونه که: نگیرد به این جمله اشکال کس «هنر نزد ایرانیان است و بس»

محمد رضا درخشان

که «اسپیلبرگ» آن بیل سینما که خوابانده کل سینما اگر داشت اسطوره‌هایی که من شبیه شما و شبیه به من نیازی نبودش که با این نبوغ به پهنای تاریخ گوید دروغ نمی ساخت اکنون دگر «شیندلر» و فهرست آن را همی داد جر اگر او بیاید به ایران زمین پس از آشنایی بگوید چنین: چه حاجت که فرهنگ بیگانگان

شادی عسکری

**به تعدادی شیلنگ و لوله پولیکا در متراژ بالا و سه عدد شترگلو دست دوم تمیز جهت ساخت فیلمی با محتوای صرفه جویی نیازمندیم.**  
اداره آبفا

**به تعدادی بازیگر نقش مکمل زن با روابط عمومی بالا نیازمندیم.**

علیرضاتابئی

## نیازمندی‌ها

به نام خداوند جان و خرد بلیط آفرینی که آفر دهد خداوند روزی ده گیشه‌ها تهیه‌کننده، هنرپیشه‌ها پی افکندم از طنز کاخی بلند که از حرف مردم نیاید گزند دهم پندهایی برای شما اهالی زحمتکش سینما بسی رنج بردم در آن سال سی افلا شبیه لیونل مسی گرامی بدارید و ارجم نهید

نه پیوسته در گور زجرم دهید چرا فیلم‌ها از کلیشه پر است؟ پر است از مضامین مذموم و پست چرا فیلم‌ها بی اصالت شده؟ حیا جانشینش خیانت شده؟ چرا فیلم‌ها مان گپی پیس شد؟ چرا سینما مان ندارد متمدن؟ چرا بیخودی می دهیم امتیاز به بی عفتی و به پایان باز؟ بسی خسته باشد کنون سینما ز مرد و زن کارگردان نما



# نظر مخاطبان را بگیریم و اطلاعات اکران را ثبت کنیم

## بازخورد

کلمه بازخورد به معنای واکنش و عکس‌العمل در مقابل یک اتفاق است؛ برای مثال تحسین یک فیلم یا نارضایتی و انتقاد مخاطب از یک فیلم، بازخورد آن بیننده، نسبت به دیدن آن فیلم است.

## در بازخوردها باید به دنبال چه چیز باشیم

- عکس‌العمل و نظر مخاطب در قبال فیلم
- اثر فیلم‌ها روی مخاطب (مثل ایجاد امید، تغییر دیدگاه درباره سبک زندگی)
- شرح جزئیات و خاطرات، اطلاعات و مستندات اکران

## اهمیت بازخوردها

- ارسال بازخورد، مسیر رفتن اثر به سمت تولید محتوای متناسب با نیازهای روز جامعه و خواسته‌های مردم را هموار می‌کند.
- با ارسال بازخوردها، این مردم هستند که ارزش‌ها و ضریب‌دهی‌ها را مشخص می‌کنند.
- بدون بازخورد امکان فهم نیازها و نقاط ضعف و قوت میسر نمی‌شود.

## کارکردهای بازخوردگیری

- اطلاع فیلمساز از نقاط ضعف و قوت خود
- ارتقای کمی و کیفی آثار
- کارکردهای رسانه‌ای و تبلیغاتی
- داشتن برآورد از تعداد و پراکندگی اکران‌های مردمی و تحلیل چرایی قوت در یک منطقه و ضعف در منطقه دیگر
- ارزیابی، آموزش و ارتقای اکران‌های مردمی و موضوعات مرتبط با آن

## محتوای بازخوردها چه چیزی باشند؟

- شناسنامه اکران
- نظرات درباره فیلم‌ها
- عکس، صوت، گزارش مشروح و جزئیات اکران
- مستندات حجیم اکران (مصاحبه‌ها، فیلم و...)
- تجربیات و ایده‌ها

## ارسال بازخورد

- پیامکی (کلمه «اکران» را به ۳۰۰۰۴۵۵۰ پیامک کنید تا به فیلم‌ساز بگویید فیلمش چقدر موفق بود. همچنین برای ارسال نظر خود در مورد فیلم کلمه «نظر» را به همین سامانه ارسال نمایید)
- مراجعه به سایت اکران مردمی ([Ekran.AmmarFilm.ir](http://Ekran.AmmarFilm.ir))
- از طریق تلگرام (@Eyvan\_Admin)
- مراجعه حضوری، پست و پیک (تهران- میدان انقلاب- خیابان ۱۶ آذر حسینی هنر- کدپستی: ۱۴۱۷۹۷۳۶۵۱)

فیلم‌های اکران شده

مشخصات اکران‌کننده (نام و شماره تماس)

تعداد مخاطبان

جمله اکران (توضیحات مختصری از اکران)

محل اکران (نام استان، نام شهرستان، شهر و...)

مکان اکران (نام مسجد، مدرسه یا هرجایی که اکران آنجا انجام شده است)

تاریخ اکران





# سود بانگی: حرام یا حلال!

گفت‌وگو با محسن نقی زاده کارگردان مستند «تجارت ابدی»

محسن نقی زاده، طلبه و کارگردان مستند «تجارت ابدی» است. چندسالی می‌شود که با در عرصه فیلم‌سازی گذاشته و آثار متعددی تولید کرده که در بین آن‌ها مستند «بومرنگ» سال گذشته توانست جایزه بخش بیداری اسلامی جشنواره عمار را به خود اختصاص دهد.

## ● امسال با چه آثاری را در جشنواره عمار شرکت کرده‌اید؟

من با یک کار کوتاه به نام «تجارت ابدی» که درباره یک صندوق قرض الحسنه است شرکت کرده‌ام. مدت زمان این اثر تقریباً بیست دقیقه است که سعی کرده‌ام این سنت حسنه را با مشکلاتی که بین مردم است روایت کنم.

## ● این صندوق قرض الحسنه در کدام شهر است؟

در شهر نجف‌آباد اصفهان. ویژگی این صندوق این است که هیچ‌گونه سودی، حتی کارمزد هم از مردم نمی‌گیرد. این صندوق و دو سه صندوق دیگر که این کار شاخص آن‌ها است، مشکلات شهر را حل کرده؛ بدون آن‌که مردم را گرفتار مشکلات بانکی کنند.

## ● چه شد که موضوع وام قرض الحسنه را انتخاب کردید؟

موضوعاتی که مربوط به مسائل دینی می‌شود برای من جذاب است؛ چون من آخوند فیلم‌ساز هستم. بخشی از موضوعات جامعه ما بحث اقتصادی است. بحث من در این فیلم حرام و حلال بودن سودی که بانک‌ها می‌گیرند نیست، بحث این است که آیا این بانک‌ها مشکلات مردم را حل می‌کنند؟! بخشی را با

نگاه فقهی نگاه می‌کنم و بخش دیگر از این جهت که اصلاً این میزانی که بانک‌ها ملزم هستند، پرداخت می‌کنند یا خیر! من در انتهای فیلم، یک آماری را از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی راجع به بانک‌ها نمایش می‌دهم که بانک‌ها میزان قرض الحسنه‌ای که باید به مردم بدهند را به کارمندان خودشان می‌دهند.

## ● چطور با سوژه این مستند آشنا شدید؟

شخصی که خودش اهل نجف‌آباد است این صندوق را به ما پیشنهاد داد. اصل کار، روایت این صندوق است ولی به صورت ضمنی نواقص شیوه بانک‌ها را به نقد کشیده‌ایم.

## ● از مراحل ساخت مستند بگویید.

سال گذشته، انتهای اسفند بود که رفتم و در نجف‌آباد ساکن شدیم و حدود پنج روز در آنجا فیلم‌برداری کردیم. قبل از رفتنمان به اصفهان دوست‌مان که اهل نجف‌آباد بود، کار تحقیقات را انجام داد و من بین سوژه‌ها، انتخاب کردم که با چه کسانی مصاحبه بگیریم.

## ● باتوجه به اوضاع فعلی فکر می‌کنید خوب است که راجع به موضوع فتنه فیلم ساخته شود؟

به نظرم در این زمینه کاری که سرش به تنش بیارزد

خیلی تولید نشده. قطعاً باید تولید شود، کارهایی که متأسفانه در این چند سال تولید شده‌اند را من کم‌وبیش دیده‌ام، بیشتر، کارهای داستانی خیلی ضعیف بوده و متأسفانه سفارشی مانند هستند؛ یعنی از دل آن فیلم‌ساز بیرون نیامده.

## ● به نظر شما جشنواره عمار چه ظرفیتی را برای سینمای انقلاب ایجاد کرده است؟

مهم‌ترین آن این است که عرصه را برای جوان‌هایی که استعداد داشتند و هیچ وقت نمی‌توانستند وارد عرصه فیلم‌سازی شوند، راحت کرده و ظرفیت‌ها را استفاده کرد تا نسل فیلم‌ساز تربیت کند. به نظر من این خیلی مهم‌تر از تولید فیلم است. این نسلی که ایجاد شد، بچه‌هایی با دغدغه‌های انقلابی هستند.

## ● نظر شما راجع به اکران مردمی چیست؟

من به آن کسی که این ایده را داد، آفرین می‌گوییم؛ چون به نظرم جشنواره عمار نباید از این حالت مردمی‌اش خارج بشود. من این ترس را دارم که جشنواره عمار به مرور مثل جشنواره‌های دیگر، فرش قرمزی بشود و آن حالت مردمی‌اش را از دست بدهد. به نظرم این ایده اکران‌های مردمی جلوی این موضوع را می‌گیرد و سینما را پیش اقبال ضعیف جامعه می‌برد.



# به روایت دوست

گفت‌وگو با مهدی حجت پناه، کارگردان مستند «بالای بالای ابرها»

مهدی حجت پناه، کارگردان مستند «بالای بالای ابرها» متولد سال ۱۳۵۹ است. ۱۸ سالگی می‌شود که کارمند صداوسیما است و در آنجا به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان آیت‌های مختلف فعالیت می‌کند. کار خود را از تدوین شروع کرده که از ابتدا شروع کردم بعد وارد سینما و تلویزیون شده است. این کارگردان تاکنون کارهای زیادی از جمله صد قسمت سریال، شش تله‌فیلم و پنج پویانمایی تولید کرده که جدیدترین کارش «بالای بالای ابرها» است.

## درباره ساخت مستند بالای بالای ابرها توضیح دهید؟

مستند «بالای بالای ابرها» روایت زندگی و نحوه شهادت شهید «میرزاهدی صابری»، از خانواده‌های مهاجر ایرانی افغانی است. من برای ساخت این مستند به آقای «حسین شیخ‌شعاعی» که پسر تنها روحانی شهید غواص، شهید «شیخ محمد شیخ‌شعاعی» بود، زنگ زدم و گفتم: حسین من دنبال چنین کسی می‌گردم که نزدیک خانه شماست؛ اسمش هم شهید «مهدی صابری» است. گفت: من او را می‌شناسم و یک داستانی با این شهید دارم. داستان را که تعریف کرد، دیدم چه جالب، انگار ما راوی شخصیت اصلی داستان مان را پیدا کردیم. در واقع داستانی که ما در مستند «بالای بالای ابرها» روایت می‌کنیم داستان خود «حسین شیخ‌شعاعی» است.

## از مراحل ساخت مستند برای ما بگویید؟

اسفند ۹۴ این کار به من پیشنهاد شد. آن موقع هنوز سالگرد اول شهید نرسیده بود. به ما گفتند سریع شروع به گرفتن کار کنید که از مراسم سالگرد او هم بتوانید فیلم‌برداری کنید. بسم‌الله گفتیم و بعد از یک تحقیق چهار، پنج‌روزه، کار را شروع کردیم و یکسری تصاویر داخلی از جاهای مختلفی که این خانواده در ایام سالگرد می‌رفتند را گرفتیم.

## در فضای رسانه‌ای کنونی باید چه اولویت‌هایی را مدنظر قرار داد؟

حضرت آقا می‌فرمایند که از فتنه‌های جدید بترسید. یعنی می‌شود منتظر بود که یک اتفاق جدیدی رخ دهد. همان طوری که دیدیم روزی که داعش در حال جمع شدن بود قصه کردستان شروع شد. استعمار هیچ وقت بیکار نمی‌نشیند یا اجازه نمی‌دهد که ما دین و فرهنگ مان را گسترش دهیم و باعث شویم که مردم مختلف دنیا، اسلام واقعی را بشناسند. اسلامی که آن‌ها نشان می‌دهند اسلام خشونت است. فضای رسانه‌ای ما باید اسلام واقعی را به مردم نشان دهد. ما در جامعه هرچه مشکل داریم از دروغ و نبود اخلاق است. ما باید بدی‌های جامعه را نشان دهیم و این‌ها را از بین ببریم تا بتوانیم یک کار مثبت و مؤثر در فضای رسانه‌ای انجام بدهیم.

## از این منظر جشنواره عمار چه ظرفیتی را ایجاد کرده؟

عمار مهم‌ترین پایگاه فیلم‌های انقلاب اسلامی شده است. اثربخشی جشنواره عمار باعث شده که حتی در جشنواره‌هایی مثل «سینما حقیقت» هم بخشی به عنوان جایزه «شهید آوینی» می‌گذارند. متأسفانه جشنواره‌های مختلف کشور ما، یک مقدار نگاه شان، روشنفکری است. متأسفانه جشنواره‌ها با

باندبازی پیش رفته‌اند. خوشبختانه جشنواره عمار فضایی را ایجاد کرده که این باندبازی‌ها همه جمع شده است. هرکسی با آن چیزی که می‌آورد ارزیابی می‌شود، نه این‌که چه کسی است و به کجا وصل است. من به یکی از دوستان گله کردم که چرا فیلم فلانی که خوب بود در جشنواره عمار مطرح نشد؟! گفت جشنواره عمار مثل فرمانده است و ما سربازیم و پشت این سنگر نشستیم. یکی توپ است یکی تانک، یکی اسلحه دقیق زن دارد و یکی کلاشینکف. ما منتظریم که ببینیم فرمانده به کدام مان فرمان می‌دهد تا ما اطاعت می‌کنیم.

## برای آینده، چه کاری در دست تولید دارید؟

سه کار در مرحله تدوین دارم. یکی مستند «شهید محمد شیخ‌شعاعی» است که از ۱۷۵ شهید غواص و خط‌شکنان کربلای ۴ بوده؛ راوی این مستند دختر اوست. دومین مستندی که کار می‌کنم، درباره یکی از نگارگران کشورمان به نام خانم «زینب شیخ‌شعاعی» است که از مینیاتوریست‌های برجسته کشور است؛ اصالت این خانم به نائین برمی‌گردد و جد بزرگوارشان «یغما جندقی» است. مستند دیگری هم داریم که درباره یکی از نگارگران بزرگ ایران آقای «عباس جمال‌پور» است. او الآن پیرترین نگارگر کشور محسوب می‌شود.







# وقتی اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد

نگاهی به مستند «از صفر تا صد»

در عرصه‌های اقتصادی فعال هستند و دست به کمر زده و مشغول تولید هستند. البته این می‌توانست بیشتر باز شود؛ ولی کارگردان تنها به نمایش چندسرفه اکتفا می‌کند و باقی این نتیجه‌گیری را به اختیار بیننده می‌گذارد. به نظر می‌رسد او برای جمع‌بندی مستندش عجله داشته و گرنه می‌شد ولو اندک، از خاطرات روزهای جنگ و اینکه روحیه جهادی سبب شده امروز بتواند به خودکفایی برسد، پرداخت. کارگردان در مورد ویژگی‌های شخصیت حاج محمود جز یکی دو مورد که سراغ همسر و یکی از محیط بانان رفته، از شخص دیگری استفاده نکرده و از اهالی روستا یا جوانانی که در کارگاهش مشغول هستند، تصویری نشان نمی‌دهد که بخواهند نظری در مورد شخصیت اصلی مستند بدهند. انگار که حاج محمود و خانواده‌اش در روستا «کرم‌گجان» تنها زندگی می‌کنند یا به نظر می‌رسد که اهالی روستا نظر مساعدی در مورد این شخصیت نداشتند.

مستند «از صفر تا صد» راوی شخصیتی است که از کم آغاز کرده و اکنون در شرایطی است که محصولات باغش سالانه ۵۰ میلیون تومان درآمد برایش ایجاد می‌کند. علاوه بر این باید به کارگاه فنر سازی، استخر پرورش ماهی و کندوهای زنبور عسل او نیز اشاره کرد. کارگاهی که یکی از پسران حاج محمود به همراه سه جوان دیگر روستای «کرم‌گجان» نیز در آن مشغول هستند. کارگاهی که خودش دارای حکایتی متفاوت است. همچنین باید به سابقه او در کارخانه تولید سم شیمیایی «پیف پاف» و اینکه از خدا می‌خواسته از آنجا رها شود و به تعبیر خودش از «دام زیر سلطه بودن» نجات پیدا کند، هم اشاره کرد، که حاضر شد از آنجا بیرون بیاید و از صفر شروع کند.

است یک شخصیت موفق معرفی شود، که خب این هم آنقدر کم‌رمق اتفاق می‌افتد که علاقه‌ای در بیننده برای تماشای پایان کار ایجاد نمی‌کند.

آغاز مستند با تصاویری است که در شب ضبط شده و صدای خرناص حیوانی به گوش می‌رسد و پاهای او در چند صحنه به نمایش درمی‌آید. در ادامه شاهد آسیب‌هایی هستیم که توسط آن موجود ناشناس به درختان و بوته‌ها می‌رسد. کات. سپس نریشن از قدمت چندین هزارساله و آب‌وهوای محل سکونت «حاج محمود» همراه با تصاویری از آنجا که اندکی بعد اسم محل نیز قید می‌شود، سعی در معرفی یک منطقه سرسبز جغرافیایی دارد. در ادامه سخن از یک گنج قدیمی دست‌نیافتنی می‌شود و ذهن بیننده را به آن حساس می‌کند. بعد از آن بیننده با سرفه‌های شخصیت اصلی روبه‌رو می‌شود که صدای راوی، آن را یادگار حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی می‌داند. تا اینجا موضوعات بی‌ربطی به خورد بیننده داده شده که شاید در انتهای کار به هم بچسبند.

در پایان گنجی که اهالی از آن یاد می‌کنند به تعبیر سازندگان «از صفر تا صد» همان چیزی است که امروز ثمره‌اش را حاج محمود و خانواده‌اش می‌چشند؛ هرچند به شدت شعاری از کار درآمده است. ارتباط خرناص‌های حیوان که در اواخر کار روشن می‌شود «گراز» بوده و به محصولات حاج محمود آسیب می‌رساند، با اثر و اینکه حتماً باید در ابتدای کار قرار بگیرد، روشن نیست. حتی سرفه‌های حاج محمود که یادگار روزگار دفاع مقدس است، ارتباطی با کل اثر برقرار نمی‌کند؛ مگر اینکه بخواهیم بگوییم کارگردان می‌خواسته نشان دهد که مردان روزگار مقاومت در برابر دشمن امروز هم



حسام آبنوس

خستگی ناپذیر بودن و تسلیم نشدن، ویژگی‌هایی است که می‌تواند عامل توجه به شخصیتی که دارای آنها است، باشد. مستند «از صفر تا صد» کاری از امیر نصیری نیز بر مبنای همین دو خصوصیت، سراغ حاج محمود آقابابایی رفته است. شخصیتی که خسته نشده و همواره تلاش می‌کند و پیوسته در صدد رسیدن به وضع مطلوب بوده و به وضع موجود رضایت نداده است.

«حاج محمود» همان‌طور که از اسم مستند پیدا است، از صفر شروع می‌کند ولی شروع کارش به قول خودش با توکل به خدا بوده است. او از مسیر رفته سخن می‌گوید و تجربیاتی را بازگو می‌کند که شاید بسیاری از جوانان امروز که در شرایط آن روزگار نبوده‌اند، حالا با آن شرایط مواجه هستند. او از تلاش و پشتکاری که برای رسیدن به مقصد می‌کند، سخن می‌گوید. همسرش بر این باور است که «حاج محمود» از کار ابایی نداشته و خودش معتقد است که اگر به کاری می‌چسبید تا پایان آن را پیش می‌برده است.

اما در ارتباط با مستند «از صفر تا صد» باید گفت که این اثر با توجه به سوز و ظرفیتی که دارد، نمی‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. بیننده احساس می‌کند اتفاق خاصی قرار نیست در اثر روی دهد و نهایتاً قرار



# فیلم‌های امروز: سه‌شنبه ۱۲ دی ماه

## مادری از جنس بهشت

تنورهایی که او گرم می‌کند تا نانی به تنور بزند، گرمابخش زندگی جوانان زیادی می‌شود. او که در راه اسلام و انقلاب، فرزندش را تقدیم کرده، نه تنها خود را طلبکار انقلاب نمی‌داند، بلکه هنوز سعی در خدمت‌رسانی به انقلاب اسلامی دارد و چه خدمتی بهتر از پخت نانی که به شروع یک زندگی کمک کند؟ در باور جامعه ایرانی، نان نشانه برکت است و نانی هم که به دست مادر شهید پخته می‌شود، برکتی چند برابر به زندگی زوج‌های جوان مستضعف می‌دهد.

بهشت زیر پای مادران است اما گویی بعضی از مادران برای تصاحب بهشت، شایسته‌تر از بقیه هستند. مستند «شایستگان» اثری کوتاه از زندگی مادر شهید «حسین اشرفی» است. او هنوز لوازم ساک فرزند شهیدش را شیرین‌تر از جانش حفظ کرده و دل در گرو امام و انقلاب دارد. مادر شهیدی که از طریق پخت نان و فروش آن، به جوانان بی‌بضاعت کمک می‌کند تا ازدواج کنند. مخارج سنگین ازدواج، یکی از موانع ازدواج جوانان است ولی او سعی دارد با پخت نان، هزینه‌های ازدواج جوانان را تأمین کند.



## عکس در خدمت مستضعفین



مجتبی حیدری در میان مستضعفین و پابرهنگان جامعه می‌رود آنها هم با او احساس قرابت می‌کنند. هنر ویژه او، یکی شدن با سوژه‌هاست. وقتی سوژه عکاسی، کارگران کوره‌آجرپزی یا کوره‌های خشتی هستند، عکاس آن قدر به آنها نزدیک می‌شود که او را جزوی از زندگی خود می‌داند. تفاوت حیدری با دیگر عکاس‌های اجتماعی، نگاه او به سوژه‌هاست. او نمی‌خواهد با سوءاستفاده از فقر و محرومیت سوژه‌های عکس‌هایش را پله‌ای برای شهرت خویش بسازد بلکه به دنبال بازتابی واقعیت‌ها، رنج‌ها و امیدهای مستضعفین جامعه است. برخلاف خیلی از شبه روشنفکران که هدفشان از پرداخت به زندگی محرومین سیاه‌نمایی است، مجتبی حیدری به دنبال نشان دادن زندگی عادی و مبارزه مستضعفین برای کسب روزی حلال است.

رسالت یک هنرمند، در میان مردم بودن و صدای آن‌ها شدن است. برای همین نویسنده‌ای می‌تواند ادعای مردمی بودن کند که قلمش، درد مردم را روایت کند و عکاسی هم که پسوند اجتماعی بودن را ینک می‌کشد، باید در عمل در میان مردم باشد و تصویرش، تصویر آشک‌ها و شادی‌های مردم عادی. «فراتر از قاب» مستندی درباره عکاسی به نام «مجتبی حیدری» است که کار خود را با عکاسی خبری آغاز کرد اما رفته‌رفته به سمت عکاسی اجتماعی گرایش پیدا می‌کند. هنر ویژه و نکته متمایزکننده مجتبی حیدری نسبت به بقیه عکاس‌ها، در میان مردم بودن اوست. عکاسی که آن قدر به سوژه‌هایش نزدیک می‌شود که در عکس‌ها حضور عکاس را حس نمی‌کند.

## علیه نژادپرستی

بر سیاه‌پوستان داشتند و در راه این باورشان از سوزاندن و مثله کردن سیاه‌پوستان هیچ ابایی نداشتند! تبعیض نژادی در آمریکا به حدی بود که سیاه‌پوستان حتی نمی‌توانستند از توالت‌های سفیدپوستان استفاده کنند چه رسد به برابری در حقوق اجتماعی! مستند «رویایی دارم» اثر مشترک «سلمان ابوطالبی» و «داود جلیلی» به بررسی نژادپرستی آمریکایی‌ها می‌پردازد. در این مستند مراحل تاریخی نژادپرستی و تبعیض آمریکایی‌ها از قرن شانزدهم میلادی، دوران برده‌داری، دوران مخوف ارباب کولاس کلان‌ها و دوران معاصر بررسی شده است. مستندی که سعی در واکاوی قتل جوانان سیاه‌پوست در همین چند سال گذشته و به دست پلیس سفیدپوست، نژادپرستی پلیس در برابر سیاه‌پوستان و اعتراضات اجتماعی جنبش سیاه‌پوستان دارد.

نام مستند «رویایی دارم» برگرفته از سخنرانی معروف «مارتین لوتر کینگ» رهبر معروف سیاه‌پوستان آمریکاییست. این مستند به بررسی سیر ظلم تاریخی آمریکایی‌ها به سیاه‌پوستان از سال ۱۵۶۲ میلادی تا کنون می‌پردازد. در این سال آمریکایی‌ها اولین بردگان آفریقایی که تعدادشان حدود شصت هزار نفر بود را به سرزمین خودشان بردند. بردگان آفریقایی که از کوچک‌ترین حقوق مدنی خود محروم بودند ولی نیروی محرکه اقتصاد آمریکا شدند. امپراتوری و ابرقدرتی آمریکا برگزیده بردگان سیاه‌پوستی بنا شد. تمدن آمریکایی، با توحشی خونسردانه به مدت سیصد سال از هرگونه ظلمی به بردگان سیاه‌پوست اجحاف نکرد. این وضع تا لغو برده‌داری ادامه داشت اما لغو برده‌داری پایانی بر ظلم سفیدپوستان آمریکایی بر سیاه‌پوستان نبود. کولاس کلان‌ها نژادپرست‌ترین آمریکایی‌ها بودند که به تفوق نژاد سفید



## حق حساب!



مختلف ناگزیرند. فساد اداری که در حال نهادینه شدن است ولی عزمی برای برخورد با آنها صورت نمی‌گیرد. بلکه مستندی شفافیت‌زاست و کارگردان به زوایای پنهان و تاریک ادارات نور انداخته تا قبح امری که رایج شده است را بررسی کند. حالا طیفی از کارمندان و مسئولین ادارات، تلکه کردن و رشوه گرفتن را نه تنها ناپسند نمی‌دانند، بلکه آن را حق حساب خود می‌پندارند!

مسعود کارگر، دوربینش را به میان ساختمان‌های در حال ساخت برده تا «تلکه» روایتی باشد از فساد در حال گسترش به نام رشوه. در فرهنگ ایرانی اسلامی، رشوه مضموم و خلاف شرع و عرف شناخته شده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا اراده‌ای در برابر رشوه صورت نمی‌گیرد؟ در مستند «تلکه» با کسانی مصاحبه شده که درگیر کارهای ساختمانی هستند و خیلی مواقع از پرداخت رشوه به ادارات



# پرونده ویژه نقد درون گفتمانی



## شاخص‌های نقد مصلحانه

۶. آن چه در عالم به وقوع می‌پیوندد برای انسان‌ها، جوامع و حاکمان آنها امتحان الهی است و سوم هر کس نتیجه زحمت و تلاش خود را بدست خواهد آورد.

داستان نویسی، مستندسازی و فیلم‌ساز در بدو به تصویر کشیدن هر تصویری از حیات انسانی باید بداند که از چنین شبکه پیچیده‌ای سخن می‌گوید. پس چارچوب‌های معنایی فوق اصول حاکم بر کار وی خواهند بود. همه ژانرهای تصویری و داستانی، به ویژه کارهای انتقادی با همین شاخص‌ها می‌تواند کاری کفرآمیز و یا رحمانی باشد.

### ● امیدواری یا ناامیدی!

اولین و مهم‌ترین شاخص نقد دینی و الهی، امید و ناامیدی است. کاری که در پس پرداختن به کزی‌ها و بن‌بست‌های ظاهری راهی و امیدوی خلق می‌کند، دم رحمانی دارد و اگر موجب انسداد و خفگی در مخاطب شود، راه کفر می‌پوید. تدوین سکانس‌های متعدد از اظهارات مردم در فلاکت، پلان‌های مکرر از چهره‌های مایوس و غبارگرفته و ردیف کردن کودکان معلول و مریض بدون هیچ لبخندی، بدون هیچ فرصت تنفسی، مخاطب را به یک فضای خلاء و سیاه می‌کشاند. در صورتی که زندگی همین مردم، چه در سیستان چه در قلعه گنج و چه هر جای دیگر مشحون از خوشی و ناخوشی‌های درهم تنیده است. خوشی روزهای عروسی، خوشی تولد کودکان

در همه این موارد سه محور مشترک وجود دارد. انسان و جامعه موظف به تلاش برای حل مشکل است. لیس للإنسان الا ما سعی (سوره نجم، آیه ۳۹). انسان مؤمن مکلف بر امیدواری به رحمت خداست. «لانیأسوا من روح الله إینه لایأس من روح الله إلا القوم الکافرون\* از رحمت خدا مایوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مایوس می‌شوند» (سوره یوسف آیه ۴۷). انسان موظف به رضایت بر قدر الهی و روحیه شکر در هر حالی است. چراکه همه حوادث و تحولات جاری بر فرد و جامعه امتحان الهی محسوب می‌شوند. «الذی خلق الموت و الحیات لیبلوکم ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور» (سوره ملک، آیه ۲)؛ همان که مرگ و زندگی را بیافرید تا شما را ببازماید که کدامتان به عمل نیکوتر است، و او شکست ناپذیر آمرزنده است» و سنت امتحان الهی قواعد لایتغیری دارد. «فلن تجد لسنه الله تبدیلا ولن تجد لسنه الله تحویلا\* در سنت خدا هیچ تبدیلی نمی‌یابی و در سنت خدا هیچ تغییری نمی‌یابی» (سوره فاطر، آیه ۴۳) گشایش، راحتی و نعمت‌ها نیز از همین قاعده پیروی می‌کنند؛ هم سه وجه دارند و هم سه محور مشترک را دارا هستند. و خداوند جل و اعلیٰ برای هیچ انسانی عسر مطلق و یسر مطلق، سختی صرف و گشایش و خوشبختی صرف مقدر نکرده و نخواهد کرد. بلکه تأکید فرموده که بعد از هر سختی، آسانی وجود دارد. «إن مع العسر یسرا\* إن مع العسر یسرا» (سوره انشراح ۵ و



مجید بذرافکن

فان مع العسر یسرا

إن مع العسر یسرا...

تاریخ حیات بشر همیشه آکنده از رنج، سختی و نگرانی نسبت به فقدان‌ها بوده است؛ از فقدان سلامتی فردی و درآمد مناسب تا فقدان حاکم و حکومت عادل و حادث. «خلق الانسان فی کبد»؛ لذا جستن نقاط تاریک و تأثرآور در زندگی فردی و جوامع، کار دشواری نیست. ذوق زندگی کاوشگران ناراستی‌ها و مطالب نیز برخاسته از دماغ‌های نوخاسته است.

برخی مشکلات، مقصر انسانی ندارند، مثل نابینایی دسته‌ای از انسان‌ها، محرومیت دسته‌ای از نعمت تکلم یا شنیدن، وقوع زلزله‌ها، سیل‌ها و الخ. برخی مصائب نیز بر اثر کم‌همتی و بی‌تدبیری خود فرد یا جامعه و دولت‌ها به وجود می‌آید مانند اعتیاد، تورم، گرانی، فرهنگ بدترافیکی و امثالهم. دسته سوم از ناملایمات بر اثر عامل بیرونی تحمیل می‌شود مثل جنگ تحمیلی.



**مطلب آخر، تأکید بر مسئله فرهنگ به عنوان زیربنای حل مسائل کشور است. مردمی که نسبت به گذشته خود احساس افتخار می‌کنند و به آینده روشنی امیدوار هستند، با شناخت، تکیه بر استعداد های درونی خود و امداد الهی قله های پیشرفت را درمی‌نوردند. اما جامعه‌ای که احساس شکست و ضعف در آن رخنه کرده باشد، امیدی به بالفعل کردن توان بالقوه خود نداشته، در برابر تهاجمات گسترده و سنگین دشمن، شکسته و ذلیل خواهد شد.**

سالم، خوشی روزهای به دنیا آمدن گاوها و گوسفندها و روزهای مرحمت آسمان بر زمین و مثال‌های بسیار دیگر اینها جزئی از تصویرهای غیرقابل انکار طبیعت حیات انسان هستند که نادیدن آنها نوعی دروغ و کفران نعمت محسوب می‌شود. نباید برآیند یک مجموعه مخاطب را نسبت به خلقت، عدالت و تقدیر الهی متعرض کند.

#### ● نگاهی جامع به زندگی مردم مسلمان ایران

دومین شاخص، نگاه جامع به زندگی مردم مسلمان ایران است. ایمان، توکل بر خدا، رضایت به قسمت و قدر الهی، تلاش بی‌پایان یکی از وجوه اصلی زندگی اکثر مردمان مستضعف در کشورمان، ایران، است. وقتی مستندی از مردمان مؤمن و اهل دل سیستمی ساخته می‌شود و با فیلترهای سیاه و سفید و عدسی‌های خاص، تصاویر کریه و منزجرکننده‌ای از این مردم نشان می‌دهد و در باب ارادت آن‌ها به اهل بیت علیهم السلام، تلاش‌های مخلصانه‌شان در اقامه عزای حسینی (ع) و اهتمامشان در زیارت مزار علی بن موسی (رضاع) و مشارکتشان با جان و مال در دوران دفاع مقدس بی‌تفاوت عبور می‌کند و بعضاً این موارد به ضد خودش به‌کار می‌گیرد، باید از نوعی اعوجاج و کج‌فهمی در انجام تکلیف خبر داد.

#### ● حفظ کرامت انسان

نکته سوم حفظ کرامت انسان‌های جلوی دوربین است. یکی دستمایه‌های اصلی مستندهایی که خاستگاه حزب‌اللهی داشته و به دنبال نقد درون‌گفتمانی هستند، پرداختن به مقوله مهم عدالت و مساوات اسلامی است. جلوه‌های این مسئله در اضلاع و ابعاد متنوع جامعه گسترده است.

اختلاف طبقاتی، محرومیت فقرا، اشرافیت اغنیا و مسابقه ثروت‌اندوزی و فخر فروشی سوژه‌هایی هستند که نقش اول آن‌ها مردم جامعه بازی می‌کند. برخی

محروم و مستضعف، عده‌ای دارا و غنی و ضلع سوم نیز مسئولین هستند. در هر سه بخش باید توجه کرد که رسیدن نتیجه نباید باعث عجله و نادیده گرفتن آداب اسلامی و حفظ کرامت انسانی شود. سؤال و جواب‌های مکرر برای رسیدن به جملات دل‌خراش از زبان خود فقرا و محرومین، تحقیر و ضایع کردن عزت نفس مسلمان است. از سوی دیگر بازنمایی چهره مسئولین به عنوان افرادی بی‌درد، کم‌سواد، بی‌مبالات و متظاهر، دور از واقعیت عمومیت کارگزاران جمهوری اسلامی است.

اصرار بر زیر سؤال بردن پاسخ مسئولین و نگاه‌های عاقل اندر سرفیه به آنان به‌صرف اینکه در جایگاه دولتی نشسته‌اند، دور از انصاف است. امام علی (ع) می‌فرماید: «لیس من طلب الحق فأخطأه کم من طلب الباطل فأذره» کسی که به دنبال حق می‌رود و اشتباه می‌کند مانند کسی نیست که دنبال باطل است و بدان دست می‌یازد. قطعاً چنین افرادی در مسئولین امور در سراسر کشور وجود دارند، ولی باید در کنار آنان از مسئولین دیگری سراغ گرفت که در جد و جهد حل مشکلات و مسائل کشور شبانه‌روزی زحمت می‌کشند.

#### ● بقایای طاغوت، توطئه‌های دشمن

چهارمین ملاحظه، توجه به سه مقوله بقایای طاغوت، توطئه‌های دشمن و تلاش‌های جمهوری اسلامی در کنار یکدیگر است. عبور جمهوری اسلامی از مرز ۳۵ سالگی با تحولات متعدد و پیچیده‌ای همراه بوده است. آن چیزی که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... دیده می‌شود، برآیند برنامه‌ریزی‌ها، تلاش‌ها، اقدامات و وقایعی است که در دو سوی جبهه جمهوری اسلامی و اردوگاه مخالفان خارجی و داخلی‌اش انجام شده است. ترور مسئولین و بازوهای انقلاب اسلامی در سراسر کشور، تحمیل جنگی سهمگین بر کشوری که زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی ضعیف و از هم‌گسیخته‌ای دارد، خدمت‌رسانی ۶ دولت و سه رییس جمهور برای جبران خرابی‌های جنگ و عقب‌افتادگی‌های علمی، مدیریتی، فرهنگی و اقتصادی و مقابله با همه‌ها و توطئه‌های دشمنان، اجزای بزرگی از تاریخ این کشور هستند. به اذعان همه کارشناسان رشد وضع معیشتی، رفاهی، خدماتی، بهداشتی، اقتصادی و نظامی کشور در هیچ بخشی قابل مقایسه با گذشته نیست. البته که هنوز با آن نقطه مطلوب، فاصله بسیاری هست. اما کسی که می‌خواهد چوب نقد و عیارسنجی را بردارد، می‌بایست موضع خود را نسبت به اقداماتی که در گذشته انجام شده، مشخص کند.

یکی از ایرادات جدی به آثاری که مدعی نقد درون‌گفتمانی هستند، بی‌ثمر خواندن مطلق تلاش‌ها در حل مشکلات است. از نظام بانکرداری تا آب و برق‌رسانی به مناطق محروم، خدمات اجتماعی و وضعیت بهداشتی مناطق حاشیه‌ای شهری و ... همگی در وضعیت رهاشدگی کامل و یا مدیریت غیرعلمی به‌سرمی‌برند. طرفه آن‌که در این آثار عمدتاً دارای چارچوب انتقادی ضعیف و به‌هم‌ریخته‌ای هستند. کارگردانان و تهیه‌کنندگان برای اثبات ناکارآمدی و اشکالات صرفاً به مصاحبه‌های مردمی بسنده کرده و به‌صورت سطحی و گذرا از مشکلات، علل، راه‌حل‌ها و افق‌ها عبور می‌کنند. آن‌ها بدون اینکه به مشکل نزدیک شوند، با فیلم‌برداری‌های عجولانه و مصاحبه‌های غیرکارشناسی شده با مسئولین و مردم به دنبال اثبات وجود مشکل هستند. در صورتی که نقد درون‌گفتمانی به دنبال یافتن و نشر راه حل مشکلات است. در برخی آثار سیاه‌نمایی به حدی می‌رسد که حرکت جمهوری اسلامی، حرکتی قهقرایی و در مقایسه با دوره پهلوی ضعیف‌تر و عقب‌تر به تصویر کشیده می‌شود- که مورد استقبال شبکه‌های خارجی نیز قرار می‌گیرند.

#### ● نقد گفتمانی

پنجم، نقد باید گفتمانی باشد. بسنده کردن آثار انتقادی به دو محور ضعف علمی سیاست‌های اتخاذ شده و مشکل مدیریتی ناشی از نوعی کوتاه‌نظری است. بسیاری از مشکلات کشور نه زاییده ضعف مدیریتی و نه برخاسته از سیاست‌گذاری غلط علمی هستند، بلکه ناشی از رویکردهای گفتمانی و فرهنگی غریزه هستند. کارشناسان یکی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی را ناکارآمدی رژیم پهلوی‌ای دانسته که برخوردار از قوی‌ترین مستشاران اقتصادی، نظامی، امنیتی و سیاسی خارجی بوده‌اند و زیرساخت‌های اداری کشور- حتی هم‌اکنون- دست‌ساخته عقول غربی برای ملت ایران هستند. به همین ترتیب ایراد جدی و کلی وارد بر دولت‌های آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی، استفاده از مدل‌های مدیریتی غربی برای اداره کشور بود.

یکی از چارچوب‌های اصلی نقد درون‌گفتمانی اتکا به ستون‌های گفتمانی اسلام ناب محمدی صلوات الله علیه و آله است. گفتمان خدمت به محرومین و عدالت‌گستری با تکیه بر نیروهای جوان، انقلابی و متخصصی است که در جنگ کارآمدی‌شان را اثبات کرده‌اند. تحقق سیاست‌های کلی نظام مانند اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی جمعیت، علم و فناوری و ... مدخل‌های قانونی قابل دفاعی هستند که علاقه‌مندان به رویکردهای انتقادی باید آنها را دنبال کنند. بیان مشکل بدون آن که امیدی به حل آن در دستگاه حاکمیتی، دولتی و توان مردمی باشد، موجب یأس و سرخورگی در مخاطبان خواهد شد.

منتقدین درون‌گفتمانی اگر در تحقیقات و تدوین‌های خود نتوانند ریشه مشکلات را در زیرساخت‌های ضعیف و یا غلط باقی‌مانده از دوران طاغوت و پیروی از مدل‌های غربی مدیریتی نشان دهند، عملاً در حال اثبات ناکارآمدی تئوری اسلام سیاسی هستند. این در حالی است که یکی از اصول قطعی گفتمان انقلاب اسلامی توانایی اسلام ناب محمدی صلوات الله علیه و آله و سلم در اداره انسان در عصر حاضر است. چیزی که در عرصه بسیار پیچیده و صعب جنگ تحمیلی به منصفه ظهور رسید. مطلبی که پس از جنگ نیز موجب برق‌رسانی، گازرسانی، آبرسانی و خدمات گسترده شهری و روستایی در سراسر کشور شده است، پیشرفت‌های عظیم علمی، نظامی و حتی ورزشی زاییده اعمال چنین تفکری است.

آن‌چه در این مطلب تا اینجا بدان اشاره شده است، گونه‌ای از نقد و ایجاب در نقد درون‌گفتمانی است. اما برای آن که کار صورت عینی‌تری نیز به خود بگیرد، به صورت موجز، باید به سبکی از انتقاد درون‌گفتمانی اشاره کرد که در ظاهر رنگ و بوی انتقادی ندارد؛ ولی کنه و عمق آن از مؤثرترین سبک‌های انتقادی مؤمنانه است. برای اثبات عقب‌افتادگی، برای نشان دادن کم‌عملی، برای یاری رساندن به مسئولین ضعیف، بر نقاط موفقیت تکیه کرد، افراد پرکار را سردست گرفت، خلاقیت‌ها و ابتکارات مؤثر در همان نقطه آسیب ارائه داد.

#### ● فرهنگ؛ زیربنای حل مسائل کشور

مطلب آخر، تأکید بر مسئله فرهنگ به عنوان زیربنای حل مسائل کشور است. مردمی که نسبت به گذشته خود احساس افتخار می‌کنند و به آینده روشنی امیدوار هستند، با شناخت، تکیه بر استعداد های درونی خود و امداد الهی قله های پیشرفت را درمی‌نوردند. اما جامعه‌ای که احساس شکست و ضعف در آن رخنه کرده باشد، امیدی به بالفعل کردن توان بالقوه خود نداشته، در برابر تهاجمات گسترده و سنگین دشمن، شکسته و ذلیل خواهد شد.





# اولویت: مسئله‌های مردم

برنامه ثریا از حاشیه تا متن



محسن مقصودی

## نظر به پیشرفت‌ها و موفقیت‌های اقتصادی

ثریا از اسفند سال ۹۰، با شعار دیدبانی برای پیشرفت ایران روی آنتن رفت. فاز اول با رویکرد علم و فناوری در مسیر پیشرفت شروع شد و قرار بر این بود که در همه مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصاد مقاومتی با نگاه پیشرفت مدنظر انقلاب اسلامی گسترش پیدا کند که گام به گام این اتفاق افتاد و سعی شد، حوزه پیشرفت، صرفاً فقط مادی و علمی تعریف نشود و با نگاهی که رهبر انقلاب نسبت به پیشرفت در عدالت اجتماعی، فرهنگ و حوزه دینداری مردم دارد تعریف شود. ثریا سعی کرده است، چالش‌های مسیر پیشرفت کشور را به اندازه توان، بار علمی و ارتباطی که با مجموعه‌های پژوهشی و انقلابی دارد، مورد بررسی قرار دهد و نقاط ضعف و قوت را با صراحت نشان دهد. ثریا در این شش سال، فراز و نشیب و مشکلات

زیادی داشته است؛ ولی به لطف خدا، حمایت‌های مردم و لطف رهبر معظم انقلاب، الحمدلله هنوز ادامه دارد و امیدوارم که بتواند این مسیر را ادامه بدهد تا با کمک مردم، نقص‌هایی که دارد کمتر شود و دیده‌بان شایسته‌ای برای ایران باشد.

## ثریا کلاً مستأجر است

من راجع به مشکلات ثریا و پخش نشدن آن، خیلی تمایل به باز کردن فضا ندارم. مهم این است که با مساعدت مدیران سیما، ثریا با همه سختی‌هایی که داشته و دارد، روی آنتن برگشته و امیدوارم این حمایت‌ها ادامه پیدا کند و ثریا بتواند حرفش را با صراحت بزند، البته اتفاقات، چالش‌ها و مشکلاتی که برای یک برنامه زنده بوجود می‌آید، کم و بیش طبیعی است؛ البته یک جاهایی غیرطبیعی بود؛ مثل بعضی برخوردها و چالش‌هایی که برای گروه ثریا در موضوع هسته‌ای دو سال قبل بوجود آمد که آن هم از الطاف دولت محترم بود. الآن که دو سال پس از مجموعه مستند سال‌های هسته‌ای با ارباب رخنه‌ها می‌گذرد، مسئولین دولت می‌توانند قضاوت کنند که آیا آن حرف‌ها و انتقادات، درست بود یا نه؟ آیا سعه صدر مسئولین ما در برابر انتقادهای درست است؟ آیا

از انتقادهای درست استفاده می‌کنند یا نه؟ ما زمان دولت دهم هم، برنامه‌های انتقادی داشتیم، آن موقع هم چالش داشتیم و بعضاً اعتراضاتی از طرف دولت می‌آمد، البته دامن‌ها اعتراضات به اینجا نمی‌رسید که در واقع فشار خاصی روی مجموعه بیاید. به نظرم در دولت‌هایی که ما در آن کار کردیم، هیچ دولتی نمره قابل قبولی در نقدپذیری نمی‌گیرند؛ ولی انتظار ما این است، دولت‌هایی که شعار آزادی و نقدپذیری بیان می‌کنند، قدر نقد را بدانند و روی آن تیمی که نقد کرده است، فشارهای عجیب و غریبی نیاورند که باید مکانش تخلیه بشود. ثریا کلاً مستأجر است، هر دوره‌ای که می‌آید، ما یکجا هستیم و این هنوز تبعات آن نقدهایی است که ما دو سه سال قبل به توافقنامه هسته‌ای کردیم. الآن چه اتفاقی افتاده است؟ آن حرف‌هایی که زده می‌شد؛ این همه اعتماد به غرب و کدخدا درست نیست، تحریم‌ها به این شکل برداشته نخواهد شد و ما تضمین‌های لازم را نگه داریم، همه توافق هسته‌ای طبق قرارداد به یک‌باره آن را انجام ندهیم و مرحله به مرحله باشد که دوستان ناراحت می‌شدند؛ الآن می‌شود بعد از دو سه سال قضاوت کرد. ما با افتخار داریم هنوز هزینه‌های آن مستندها و آن نقد زنده در برنامه‌های برجرام را می‌دهیم. همین



آن رویش‌های خودجوشی که مردم دارند و خیلی وقت‌ها دیده نمی‌شود، باید تقویت بشود. این فضای سیاست‌زده باید شکسته شود، ما باید مردم را به خاطر مردم، دوست داشته باشیم، نه مردم را به خاطر رأی، این دو تا نگاه کاملاً متفاوت و دو عملکرد کاملاً متفاوت هستند

مشکلات اخیر که برای ما بوجود آمد، یک فرصت بود که انگیزه بچه‌ها بیشتر بشود با توان و انرژی بیشتری مستند تولید کنند. از دیگر انتقادهای ثریا در حوزه طرح تحول سلامت بود که سه سال قبل گفتیم، این طرح مشکلاتی دارد و ادامه آن غیرممکن است و به لحاظ مالی ورشکست می‌شود. همچنین آقای ثرکان از نزدیکان دولت، هفته قبل این طرح را نقد کردند؛ اما دولت محترم، به جای اینکه این انتقاد را بپذیرد و اصلاح کند، واکنش خیلی تندی نشان داد و ثریا هم دو سه ماه به خاطر همین برنامه مشکل پیدا کرد و پخش برنامه متوقف شد؛ درحالی‌که ما نقدی کارشناسی و تحلیلی بر مبنای آمار و ارقام و نمودارهای سایت‌های خود دولت کرده بودیم و توهین، بی‌احترامی و یا سیاه‌نمایی نکردیم. الآن بعد از دو سه سال نتیجه مشخص شده است. اگر دولت محترم، با شعاری که خودش داشت، نقدپذیر بود، قطعاً به نفع او بود؛ چون ما با نگاه دلسوزانه و هدف خیر به دولت هشدار می‌دادیم. در حوزه نظام بانکی راجع به خلق پول، برج‌سازی‌ها و وام‌های بدون پشتوانه نیز هشدار داده بودیم. الآن می‌توانیم وضعیت و مشکلات مؤسسات بانکی و وضعیت رکود را مشاهده کنیم. در حوزه مسکن اجتماعی که گفتیم عملی نیست و نباید هم تجربه

مسکن مهر را یکباره کنار بگذارید، الآن بعد از ۵ سال، یک واحد مسکن اجتماعی هم ساخته نشده است و هنوز داریم مسکن مهر را نقد می‌کنیم. حرف‌هایی که گفته می‌شود چون از منظر کارشناسی و تخصصی گفته می‌شود، گذر زمان می‌تواند بهترین سند برای تأیید حرف‌هایمان باشد. جرم برنامه ثریا و خیلی از منتقدین دیگر این بود که یک مقدار زودتر از بقیه به جمع بندی رسیدند و هشدارهایی را از زبان کارشناسان و پژوهشگران مستقل خود دادند. به نظرم اگر در یک مجموعه برنامه، کارشناسان رسانه‌ای، چیزی را زودتر هشدار می‌دهند؛ این قابل تقدیر است، تا اینکه به آن‌ها سخت گرفته شوند. به نظر من هم اینها تجربه است و برای مسئولین دولت و دولت‌های مختلف، این تجربه است که با عینک سیاسی به مسائل نگاه نکنند؛ چون واقعاً نیت و نگاهمان سیاسی نبود و نگاهی اعتقادی مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی بود و از منظر دیگر نیز کمک به دولت بود. اگر آن موقع گوش می‌کردند، خیلی بهتر بود، البته الآن هم دیر نشده است و خیلی نقدها را می‌توانند گوش کنند و انشالله برای مردم باعث خیر شود.

### توجه به مردم، به خاطر مردم

به نظرم یکی از آسیب‌هایی که در فضای رسانه‌ای داریم، جدا شدن و فاصله گرفتن از متن زندگی مردم است، یک وقت‌هایی چیزهای فانتزی، برای ما جدی می‌شود که برای مردم دغدغه نیست. بعضی وقت‌ها موضوعات درستی هم هست و دغدغه ما است؛ ولی به هر دلیلی دغدغه مردم نیست و ما در آن حوزه‌ها می‌مانیم و مسائل مهم‌تری که درد مردم است را متوجه نمی‌شویم. مثلاً وضعیت بیکاری که الآن جوان‌های ما در استان‌های مختلف دارند. در آمار و ارقام شما یک عددی می‌بینید؛ ولی وقتی در زندگی مردم می‌روید، اصلاً یک حس متفاوتی است و می‌بینید که یک خانواده، الآن به هیچ چیز دیگری جز اشتغال فرزند و یا سرپرست خانوار فکر نمی‌کند. آن وقت اولویت‌ها فرق می‌کند؛ اولویت‌ها از اینکه زن‌ها به ورزشگاه بروند یا نروند یا فلان حصر، باید برداشته شود یا نشود، تغییر می‌کند. اگر مسئولین ما در زندگی مردم باشند، زمین‌بازی و زمین دغدغه‌ها و فکرهای مردمی می‌شود؟ ولی وقتی از مردم فاصله می‌گیریم، چه رسانه‌هایمان، چه مسئولین مان، این‌ها برجسته می‌شود. به نظرم آن حصری که باید بشکنند، حصر کارگروهی هست که بیکار شدند و در خانه‌هایشان حصر شدند. می‌خواهم بگویم، ما خیلی سیاست‌زده شدیم. شما ببینید همین ایام نزدیک به انتخابات، سه چهار ماه نزدیک به انتخابات چقدر در فضای رسانه‌ای ما، تعطیلی فلان کارخانه مثلاً کارخان‌ها ارج را گزارش می‌کردیم و آنلاین دائم خبرنگار می‌فرستادیم که از بالا و پایین فیلم بگیرد که فلان کارگر بیکار شد. الآن کجا هستیم؟ الآن چرا نمی‌رویم این کارگروه‌ها را ببینیم؟! اصلاً کارگروه‌های کارخان‌ها ارج و ده‌ها کارخان‌ها دیگر که بدرستی در آن ایام خبر ورشکست شدنشان اعلام؛ چرا دیگر سراغشان نمی‌رویم، چرا دیگر کسی سراغ معدن یورت را نمی‌گیرد؟ چرا یک زمانی تیتتر هم اخبار رسانه‌های ما می‌شوند؛ ولی در زمان دیگر فراموش می‌شوند و دوباره در همان دعوای سیاسی خودمان می‌افتیم. به نظرم ضعف جدی ما این است که از زندگی مردم، به مقدار زیادی فاصله گرفتیم. یکی از رسالت‌های عمار همیشه این بوده است که این تلنگرها را بزند و در متن زندگی مردم برود و انصافاً در جاهای خیلی خوبی هم موفق بوده است و مستندهای خیلی خوبی هم در این زمینه از متن زندگی مردم، دردها، نیازها و موفقیت‌های مردم و دستاوردهای زندگی مردم داشته است. آن رویش‌های خودجوشی که مردم دارند و خیلی وقت‌ها دیده نمی‌شود، باید تقویت بشود. این فضای سیاست‌زده باید شکسته شود، ما

باید مردم را به خاطر مردم، دوست داشته باشیم، نه مردم را به خاطر رأی، این دو تا نگاه کاملاً متفاوت و دو عملکرد کاملاً متفاوت هستند، اگر ما مردم را به خاطر مردم دوست داشته باشیم، امثالی مثل شهید حججی‌ها را می‌توانیم به مردم نشان دهیم، شهید حججی حاصل این تفکر به مردم است. کسی که عاشق مردمش بوده و در روستاهای سه چهار کیلومتر مانده به فریدون شهر اصفهان دنبال کار جهادی رفت. مهم‌ترین دغدغه و آرزوهایش کشیده شدن، جاده صعب‌العبور این روستاها بوده است. کسی که این‌طور عاشق مردمش است، خدا این‌طور او را بزرگ می‌کند و در مبارزه با استکبار و تکفیری‌ها، یک چنین اتفاقی برایش می‌افتد. به نظرم ما باید از این الگوها درس بگیریم و سعی کنیم مردم را برای خود مردم و برای رضای خدادوست داشته باشیم، آن وقت هم برکات دیگر می‌آید و آن اتفاقات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی که مدنظر ما هست اتفاق می‌افتد؛ ولی اگر عینکمان سیاسی باشد و جناحی باشد، چون دولت شماسست حالا سراغ مردم برویم و وقتی دولت خودمان است، همه چیز خوب و آرام است. این نگاه‌هایی است که توسط مردم پس‌زده می‌شود و حتی دیگران اثر سیاسی‌اش را هم ندارد.

### نشان دادن نمونه‌های موفق

به نظرم مهم‌ترین نقد، نشان دادن کارهای موفق در شرایطی است که خیلی از کارها نشده است، شما نمونه‌های موفق را نشان دهید. فرض کنید در صنعت خودرو و موتورسیکلت که به لحاظ صنعتی باز و وابسته هست؛ نشان دادن یک کار خودجوش و مردمی، بزرگ‌ترین نقد کم‌کاری‌هاست. مثلاً در حوزه خودکفایی صنعت نفت، مستندهایی ساخته شد مثل، تولید کاتالیزورها، سکوها حفاری دریایی، پالایشگاه خلیج فارس، تولید ضربتی بنزین پتروشیمی که ما را از گلوگاه تحریم نجات داد. این‌ها نمونه‌هایی موفق، از توان داخلی و بومی هستند که در میان، مخاطب متوجه می‌شوند که از این نمونه‌ها استفاده نمی‌شود و ما داریم در اکثر موارد واردکننده و دنبال توانمندی خارجی هستیم. به نظرم نقدی که مبتنی بر توانمندی داخلی باشد، می‌تواند اثرگذار باشد و اگر خروجی تقدمان این باشد که خودروسازی ما خیلی خراب است، نتیجه‌اش این باشد که به دنبال واردات برویم و اینکه چرا انحصار باید در دست دو سه شرکت داخلی باشد، باید درها را بازکنیم تا همه بیایند و خارجی‌ها وارد بشوند؛ درحالی‌که نقدی که مبتنی بر توانمندی داخلی باشد، مثل حوزه صنعت نیروگاه‌سازی، صنعت هسته‌ای، صنایع دفاعی؛ چرا در حوزه صنعت خودرو نمی‌توانیم؟! نباید بتوانیم؟ چون در خودروسازی نگاهمان به خارج بوده است و مونتاژکاری بجای نوآوری و تولید داخل بوده است. لذا این، دو نقد متفاوت در حوزه صنعت خودرو است، یکی می‌گوید ما لگن‌ساز هستیم، خودروهایمان خراب است پس خودروسازی داخلی فایده‌ای ندارد، ما باید وارد کنیم و نگاه دیگر می‌گوید اگر خودروسازی ما مشکل دارد و با خودروهای روز دنیا فاصله داریم، علتش این نیست که شما انحصار داشته‌اید، علتش این است که نگاه شما همیشه به شرق و غرب و کی‌برداری بوده است. با نگاه مونتاژکاری، شما تا صدسال دیگر هم مونتاژکار هستی و همیشه چند نسل از علم روز دنیا عقب‌تر هستی؛ ولی اگر نگاهت نوآوری بومی‌سازی، طراحی، فنی مهندسی خودت بشود، ضمن اینکه با بقیه همکاری می‌کنی، خودت نیز صاحب فناوری می‌شوی. پس این دو نقد کاملاً متفاوت است که ثریا سعی کرده است که در همه موضوعات این نقد را داشته باشد؛ یعنی نقدی که به توانمندی بومی کشور منجر بشود.





# «داد»: آنچه سینمای ما ندارد

یادداشت علی محمد مؤدب درباره مستند «داد»

«داد»، مستندی به کارگردانی حجت عدالت‌پناه است که به خاطر موضوعی که به آن پرداخته، با حواشی مختلفی از جمله حکم دادستانی اصفهان برای جلوگیری از پخش در زمان اکران مواجه شد. این مستند به ماجرای تحمین کامیون داران جنوب و داستان شلاق خوردن کارگران معدن «آق دره» می‌پردازد. این اثر هم فانوس نقد درون گفتمانی دوره قبل جشنواره عمار را از آن خود کرده و هم مورد توجه چهره‌های فرهنگی، هنری و اساتید دانشگاهی هم قرار گرفت.

علی محمد مؤدب، شاعر، نویسنده و مدیر مؤسسه شهرستان ادب است. به گفته خودش، بخشی از شعر مشترکش با میثم مطیعی برای ۲۲ بهمن سال گذشته را هم از این مستند، الهام گرفته است. آنچه می‌خوانید یادداشتی شفاهی از علی محمد مؤدب در این باره است.



ویژه‌نامه روزانه هشتمین جشنواره مردمی فیلم عمار  
روز ششم - دوازدهم دی ماه ۱۳۹۶ - تهران

۲۲

پرونده ویژه

مهم و حیاتی است و موجب می‌شود تا صدای مردم در این حوزه شنیده شود.

«داد» نه سیاسی است و نه گزینشی، بلکه در متن و داستان روایی خود به سراغ بحران و مشکلی که وجود داشته، حرکت کرده است؛ این مستند ضمن داشتن تعهد سیاسی و اجتماعی، جناحی نیست و به این مسئله که جریان‌ات راست یا چپ نقد شوند کاری ندارد بلکه تمام توان و تلاش خود را برای پرداختن به مسئله و مشکلی که وجود داشته، صرف کرده است. اگر جایی مشکلی است باید بیان شود؛ اگر مشکلات و مسائل کوچک برطرف نشوند به تدریج بر روی هم انباشته شده و به بحران‌های بزرگی تبدیل خواهند شد.

نکته مهمی که فیلمسازان باید به آن توجه کنند این است که نقدهایی که در آثار خود اشاره می‌کنند باید

شوند. یک بخش دیگری از دلایل این موضوع، بی‌اطلاعی است، اگر فیلمسازان خود را در معرض این دست اخبار قرار بدهند و دردها و مشکلات مردم را پیگیری کنند، طبیعتاً به خلق آثاری در این زمینه ختم خواهد شد.

## ● «داد» نه سیاسی است نه گزینشی

گرچه افرادی که به قشر مستضعف تعلق دارند به صورت عادی در جریان مشکلات و مسائل اقشار محروم قرار می‌گیرند؛ اینها باید به این موضوع که زبان افراد محرومی می‌شوند افتخار کنند و امکان این را ندارند که حرف خود را بیان کنند.

مستند «داد» را در رساندن صدای عدالت‌خواهانه صنوف مختلف به مسئولان، بسیار مهم و موثر ارزیابی می‌کنم و اعتقاد دارم تهیه و تولید این قبیل آثار، بسیار

## ● «داد» روی موضوع مهمی دست گذاشته است

مستند «داد» به ویژه از نظر پرداختن به مطالبات کارگران کار بسیار مهمی است و سازنده فیلم دست بر روی موضوع مهمی در حوزه مطالبات مردم گذاشته است، البته به نظر می‌رسد کار در ساختار و فرم، مقداری طولانی ساخته شده است. در مستند «داد» صحنه‌هایی پیرامون پیگیری مطالبات وجود دارد که در حال حاضر در سینمای مستند و در رسانه‌های ما، کمتر به آن‌ها پرداخته می‌شود، درکل این مستند، حرکت بسیار خوبی بود و امیدوار هستم از این جنس مستندها و فیلم‌ها بیشتر تولید شود.

نکته مهمی که باید در زمینه ساخت مستندهایی از قبیل «داد» به آن اشاره کنیم این است که عافیت‌طلبی و محافظه‌کاری موجب می‌شود تا فیلمسازان کمتر متمایل به ساخت مستندهایی با چنین سوژه‌هایی



**انواع و اقسام  
ظلم‌های ساختاری  
وجود دارد؛ بخشی از  
اینها نتیجه ضعف‌های  
علمی، ساختاری و  
مدیریتی است و  
بخشی از اینها نتیجه  
همان چیزی است  
که فرعونیت، ظلم  
و اشرافیت است.  
شناخت دقیق مسئله  
که ما کجا داریم از  
چهل و نادرستی در  
روش‌ها و نابلدی  
آسیب می‌بینیم و  
کجا از نادرستی در  
وجود آدم‌ها و از یاد  
رفتن ارزش‌ها ضربه  
می‌خوریم، برعهده  
محققان و دانشجویان  
و نیز هنرمندان  
مسلمان است.**

دچار آسیب شده و گم می‌شود و کلمات دیگری مثل قشر آسیب‌پذیر و انواع اسم‌های دیگر درست می‌کنند تا کلمات اصلی از یاد بروند. در حالی که این طور نیست که با ظهور جمهوری اسلامی، استضعاف و استکبار در ایران و جهان نابود شده باشد، سیستم‌هایی که ممکن است مردم را به استضعاف بکشانند، کماکان با تطبیق خودشان در ساختارهای جمهوری اسلامی، تلاش می‌کنند تا به حیاتشان ادامه دهند.

انواع و اقسام ظلم‌های ساختاری وجود دارد؛ بخشی از اینها نتیجه ضعف‌های علمی، ساختاری و مدیریتی است و بخشی از اینها نتیجه همان چیزی است که فرعونیت، ظلم و اشرافیت است. شناخت دقیق مسئله که ما کجا داریم از چهل و نادرستی در روش‌ها و نابلدی آسیب می‌بینیم و کجا از نادرستی در وجود آدم‌ها و از یاد رفتن ارزش‌ها ضربه می‌خوریم، برعهده محققان و دانشجویان و نیز هنرمندان مسلمان است. همانطور که در منشور هنر انقلاب، حضرت امام اشاره کردند، هنرمند مسلمان به زیبایی و زشتی، کمال و نقص، عدالت و بی‌عدالتی حساس است و در کار طبیعی خودش، این مسائل را روایت می‌کند، تناقض‌های هر سازمان و نظامی را رسانه‌های دشمنان ما در فقدان نقد مشفقانه مومنان به انقلاب اسلامی برجسته کرده و میدان داری می‌کنند. بسیار امیدوارم به دریچه‌هایی که عمار گشوده تا این فیلمسازان جوان بتوانند، شعله‌های مقدس را در هر حوزه‌ای روشن کنند.

#### منتقدان مشفق

منتقدان مشفق باید همیشه پاس داشته شوند و باید همیشه حرمت آن‌ها را بدانیم؛ چون در خط مقدم دفاع از مفاهیم و حرف‌های اصلی می‌جنگند و همیشه علم‌های عدالت‌خواهی را بلند نگه می‌دارند. مستندهایی مثل «داد»، بسیار مبارک است چون بسیاری از مشکلات ما ناشی از نگفتن‌هاست. صورت مسئله‌ها را پاک می‌کنیم، در حوزه‌های مختلف هزار و یکی مسائل مختلفی هست که نمی‌گوییم یا از زبان معرضان و کسانی که غیرمشفق هستند و با فرم‌های نادرست و با تهاجم به اصل ارزش‌ها، اصل انقلاب و آرمان‌های انقلاب، گفته می‌شود. این پدیده مبارکی است که بچه‌هایی که شفقت خودشان را نسبت به انقلاب اسلامی در میدان‌های مختلف مجاهده نشان دادند، خودشان علم نقد را به دست گرفته و به همین جهت من بسیار آرزو دارم که جشنواره عمار بتواند به ایجاد ساختارهایی که تولید در این زمینه‌ها ساماندهی، مدیریت و به‌طور سازمان‌مند نقد مشفقانه و برادرانه خود را بدون ملاحظات این جناح و آن جناح بر ساختارهای جمهوری اسلامی صورت دهد و این جریان مدام حرف بزند و به درجه‌ای از اعتبار برسد که دیگر مردم ما نیازی به شنیدن حرف‌های کانال‌های بی‌هویت تلگرامی و شبکه‌های رسمی دشمنان ما مثل BBC فارسی نداشته باشند. هر ایرانی اگر یک لحظه دقت کند، متوجه می‌شود که BBC فارسی مال همان انگلیسی است که در هند زبان فارسی را برانداخته است. منتها به‌هرحال یک نیازی است به نقد بی‌ملاحظه و قدری آزادانه که وقتی مردم این را در بعضی از رسانه‌ها نمی‌بینند، به سمت رسانه‌هایی مثل شبکه‌های اجتماعی یا رسانه‌هایی واقعاً کثیف مثل BBC فارسی می‌روند. بچه‌های انقلاب اگر این علم را بردارند، قطعاً در مدت کوتاهی می‌توانند اعتبار رسانه‌های بی‌هویت و رسانه‌های دشمن را از بین ببرند و مجموعه فضاهای جنگ روانی را که آن‌ها ایجاد کرده‌اند؛ با این نوع کارهای تولیدی مدیریت کنند. بسیار امیدوارم که جشنواره عمار موفق شود ساختارهایی برای تربیت مداوم عمارهای جوان ایجاد کند.

مختلفش وجود دارد و همه ما می‌دانیم که چیست و چه می‌خواهیم و جمهوری اسلامی فرمی است که برای تحقق این متن پدید آمده است. به نظر من باید مدام با معیار متن انقلاب اسلامی، فرمایشات امام و وصیتنامه‌های شهدا که برگرفته از قرآن و فرهنگ اهل بیت و خرد ناب شیعی و اسلامی است را مدام مورد بازبینی قرارداد و به‌طور خیلی جدی جمهوری اسلامی را نقد کرد. حتی ساختارهای اساسی جمهوری اسلامی را، همانطور که تا امروز هم این بوده است. حتی شیوه حکومت‌داری در نظام، [جمهوری باشد یا پارلمانی]، مورد بحث قرار گیرد. باز ممکن است ویرایش‌های این شکلی در نظام اعمال شود؛ ولی مسئله در باب عدالت‌خواهی چالشی در این سطح هم نیست. مسئله این است که بسیاری از اشتباهات آدم‌هایی در گوشه و کنار به‌عنوان حفظ نظام نادیده گرفته می‌شود و مصونیت‌های آهینی ذیل عناوین مختلف درست‌شده و همه اینها از دو طرف تقویت می‌شود.

#### انواع ظلم‌های ساختاری وجود دارد

یک طرف آن حس ماورایی و تعهد قلبی مردم به حفظ نظام و یک طرف سوء نیت آدم‌هایی است که می‌خواهند خودشان را حفظ کنند و تلاش‌شان بر این است که خودشان را به عنوان نظام جا بیندازند. هر نوع مماشانی در این زمینه نتیجه‌اش این است که این قالب، از معنا تهی شده و به مرور می‌بینیم که یک دفعه عالی‌ترین و شگفت‌ترین نوع اشرافیت، ممکن است در دل سیستمی که به نام مستضعفان جهان قیام کرده، ظهور می‌کند؛ کما اینکه در غفلت همه ما، حرم امام مستضعفان جهان، تبدیل به کاخی پست مدرن شده است. ذکر این درد را هم ما در آن شعری که جناب مطیعی بیست و دوم بهمن سال قبل خواندند آوردیم. کلیدواژه اصلی امام که استضعاف و استکبار است را می‌بینیم در مسیر دست‌انداختن جمهوری،

مشفقانه بوده و هدفی از قبیل درگیر شدن یا جنبه تخریبی نداشته باشند. در نگاه نخست تمامی مردم کشور هستند ولی در قدم بعدی نیروهای موثر و مولد در عرصه فرهنگ و رسانه و افراد مهم در حوزه‌های مدیریتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی باید این مستند را به خوبی مشاهده کنند؛ چراکه یک تصمیم اشتباه و نامناسب در طراحی، اجرا و نظارت آن‌ها می‌تواند زندگی گروهی از مردم را دچار بحران‌هایی کند.

#### سرودن شعر در تأثیر گرفتن از مستند «داد»

وقتی در جریان ماجرای آقای سید میثم صفائیان، نماینده کامیون داران متحصن جنوب و درگیری کارگران قرار گرفتیم و مستند «داد» را هم مشاهده کردم، هرچه بیشتر با این ماجرا آشنا شدم. زمانی که آقای میثم مطیعی گفتند: برای ۲۲ بهمن ماه قصد دارند شعری با رویکرد نقد اجتماعی بخوانند. توفیقی شد که من هم در سرودن این شعر، مشارکت کنم. در آن شعر نوشتم که "خطر زخم شلاق بر کارگراست" و به نوعی آن مضمون با الهام از این مستند و با توجه به کارگران «آق دره» وارد شعر شد. این شعر در روز ۲۲ بهمن‌ماه در میدان آزادی تهران خوانده شد و در واقع حرف دل این افراد بود. باز تاکید می‌کنم که مشکل عمده‌ای که مانع ظهور مستندهایی مثل «داد» می‌شود، محافظه‌کاری است که قتلگاه انقلاب و عدالت‌خواهی موحدانه است. ما به خاطر آن این همه خون دادیم.

به‌هرحال حفظ نظام از اوجب واجبات است. این یک گزاره بسیار تکرار شده است؛ ولی ما در این مسیر، خیلی دچار خطا می‌شویم و آدم‌ها را به جای اصل انقلاب و نظام می‌گیریم. حتی جمهوری اسلامی هم در مقابل انقلاب اسلامی نباید مصونیت داشته باشد. انقلاب اسلامی یک متن مسلم موجود هست از بیانات امام، از آرمانهای شهدا، متنی که به‌هرحال گوشه‌های





# بالعجايب والبرها

باروايتی از حسین شیخ شعاعی  
تهیه کننده: محمد مهدی خالقی

تحریریه: مجید مالکی، مجتبی مالکی، عارف جعفری، محمد کریمی نسب،  
حمید کوچکی، محمدرضا پورصفا، روزبه قمصری، محمدرضا طالبی آهویی  
مدیر هنری: حسین شهریاری مزرعه امامی

